

A Multidimensional Examination of Social Security in Urban Environments: Emphasizing Physical, Social, and Institutional–Governance Factors (Case Study: Azadshahr Neighborhood of Yazd)

Mitra Ghorbu^{1*}, Behrooz Biqaraz²

1. Assistant Professor, Department of Urban Studies; Faculty of Engineering, Payame Noor University. Tehran, Iran.
2. PhD in Urbanism, Department of Urban Studies; Faculty of Architecture and Urban Studies, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received Date: 10 October 2025 Accepted Date: 31 December 2025

Abstract

Background and Aim: Rapid physical and social transformations in Iranian cities over recent decades have rendered neighborhood social security a multidimensional and complex phenomenon, necessitating simultaneous analysis of spatial attributes, social relations, and institutional mechanisms. This study aims to conduct a multidimensional analysis of social security and evaluate the explanatory power of physical, social, and institutional-governance dimensions in the Azadshahr neighborhood of Yazd.

Methodology: Employing a sequential mixed-methods exploratory-explanatory design, the research was implemented in two phases. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with residents, security experts, and urban specialists, followed by thematic analysis to identify context-specific indicators of social security. In the quantitative phase, data were collected from 367 residents and analyzed using structural equation modeling (SEM).

Results and Findings: Results indicated that the proposed model exhibited satisfactory fit, with all three dimensions—physical, social, and institutional-governance—exerting statistically significant positive effects on social security. The social dimension emerged as the strongest predictor ($\beta = 0.56$, $t = 11.74$, $p < 0.001$; $R^2 = 0.57$), driven particularly by neighborly relations, social capital, and a sense of belonging and ownership. The physical dimension demonstrated a moderate-to-strong effect ($\beta = 0.31$, $t = 4.21$; $R^2 = 0.23$), with the highest correlations observed for public space design and lighting. Although the institutional-governance dimension was significant ($\beta = 0.29$, $t = 3.98$; $R^2 = 0.19$), it exhibited the weakest direct influence. Collectively, the integrated model accounted for 63% of the variance in social security. These findings underscore that social security in the studied neighborhood is fundamentally a socio-perceptual phenomenon, contingent upon local cohesion, trust, and participatory dynamics rather than purely physical or supervisory measures. Consequently, strategies to enhance urban security—particularly in Iran’s medium-sized cities—should prioritize strengthening social capacities and local capital, complemented by physical restructuring and improvements in the quality of local governance.

Keywords: Social security, physical factors, social factors, institutional-governance factors, structural equation modeling, Azadshahr, Yazd.

* Corresponding Author Email: m.ghorbi@pnu.ac.ir

Cite this article: Ghorbi, M. and Biqaraz, B. (2026). A Multidimensional Examination of Social Security in Urban Environments: Emphasizing Physical, Social, and Institutional–Governance Factors (Case Study: Azadshahr Neighborhood of Yazd). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(2), 336-367.



بررسی چندبعدی امنیت اجتماعی در محیط‌های شهری با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی (مورد پژوهی: شهرک آزادشهر یزد)

میترا قربی*^۱، بهروز بیغرض^۲

۱- استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- دکترای شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: تحولات سریع کالبدی و اجتماعی در شهرهای ایران طی دهه‌های اخیر، امنیت محلات شهری را به پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده تبدیل کرده است که بررسی آن مستلزم توجه هم‌زمان به ویژگی‌های فضایی، روابط اجتماعی و سازوکارهای نهادی-حکمرانی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی چندبعدی امنیت اجتماعی و سنجش میزان تأثیر و قدرت تبیین ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی در شهرک آزادشهر یزد است.

روش‌شناسی: این مطالعه با رویکرد آمیخته اکتشافی-تبیینی و در دو مرحله انجام شد. در مرحله کیفی، با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان، کارشناسان امنیتی و متخصصان شهری و به‌کارگیری تحلیل مضمون، شاخص‌های بومی امنیت اجتماعی شناسایی گردید. در مرحله کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه و از ۳۶۷ نفر از ساکنان گردآوری و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته و نتایج: نتایج نشان داد که هر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارند و مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. در این میان، بعد اجتماعی بیشترین قدرت تبیین امنیت اجتماعی را دارا بود ($\beta = 0.56$, $t = 11.74$, $R^2 = 0.57$; $p < 0.001$)، که شاخص‌هایی مانند روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی و حس تعلق نقش برجسته‌تری در آن ایفا می‌کنند. بعد کالبدی نیز با تأثیری متوسط تا نسبتاً قوی ($\beta = 0.31$, $t = 4.21$, $R^2 = 0.23$) بیشترین ارتباط را با کیفیت فضاهای عمومی و نورپردازی نشان داد. بعد نهادی-حکمرانی نیز اگرچه تأثیر معناداری داشت ($\beta = 0.29$, $t = 3.98$, $R^2 = 0.19$)، اما در مقایسه با دو بعد دیگر از قدرت تبیین کمتری برخوردار بود. در مجموع، این سه بعد در قالب مدل یکپارچه توانستند ۶۳ درصد از واریانس امنیت اجتماعی را تبیین کنند. بر این اساس، نتایج پژوهش بر اهمیت توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، کالبدی و نهادی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ارتقای امنیت اجتماعی محلات شهری، به‌ویژه در شهرهای متوسط ایران، تأکید دارد.

کلید واژه‌ها: امنیت اجتماعی، عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل نهادی-حکمرانی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، شهرک آزادشهر یزد.

* نویسنده مسئول : m.ghorbi@pnu.ac.ir

ارجاع به این مقاله: قربی، میترا و بیغرض، بهروز. (۱۴۰۵). بررسی چندبعدی امنیت اجتماعی در محیط‌های شهری با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی (مطالعه موردی: شهرک آزادشهر یزد). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، (۲)۷، ۳۳۷-۳۶۷.

مقدمه و بیان مسأله

امنیت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی و پیش‌شرط تحقق زندگی شهری پایدار و باکیفیت، همواره در کانون توجه نظریه‌پردازان مطالعات شهری قرار داشته است. دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر توافق دارند که امنیت صرفاً محصول ساختارهای رسمی نظارتی نیست، بلکه عمیقاً تحت تأثیر بستر اجتماعی-فضایی محلات، از جمله کیفیت روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی شکل می‌گیرد (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001; Giddens, 1991). در عصر حاضر، پدیده‌هایی چون رشد بی‌رویه شهرنشینی، نابرابری فضایی و فرسودگی بافت‌های شهری، امنیت را در بسیاری از کلان‌شهرهای جهان با چالش مواجه ساخته است (UN-Habitat, 2020; OECD, 2021) که در کشورهای در حال توسعه، این چالش‌ها به سبب ضعف زیرساخت‌ها، فرسودگی بافت‌ها و ناهمگونی فرهنگی شدیدتر است و امنیت محلات را با تهدیدهای پیچیده‌تری روبه‌رو می‌سازد (WHO, 2020).

در ایران نیز، شواهد میدانی و پژوهشی حاکی از آن است که ترکیب عوامل نامطلوبی چون تغییرات سریع کالبدی، توسعه افقی ناسامان، کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش مهاجرت‌های درون‌شهری، بستری را فراهم کرده که می‌تواند بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و احساس ناامنی را تقویت کند. در چنین شرایطی، پرداختن به امنیت به عنوان یکی از ارکان کلیدی کیفیت زندگی و زیست‌پذیری محلات، به ضرورتی انکارناپذیر در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تبدیل شده است.

پژوهش‌های کلاسیک و معاصر نیز همواره بر نقش دوگانه عوامل کالبدی و اجتماعی در شکل‌دهی امنیت شهری تأکید کرده‌اند؛ از یک سو نظریه‌هایی همچون «چشم‌ها بر خیابان» جین جیکوبز (۱۹۶۱) و «فضای قابل دفاع» نیومن (۱۹۷۲) بر اهمیت طراحی محیطی و کیفیت فضاهای عمومی تأکید دارند، و از سوی دیگر مطالعات اجتماعی بر نقش انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق و روابط همسایگی در ادراک امنیت اشاره می‌کنند (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001; گلابی و زارع‌زاده، ۱۳۹۳). همچنین تحقیقات جدید نشان داده‌اند که کیفیت محیط مصنوع و ساختارهای اجتماعی هر دو در احساس امنیت نقش دارند، اما وزن و اهمیت نسبی آن‌ها بسته به شرایط محلی متفاوت است (Kim & Park, 2022; Tselios & Tomás, 2023).

اگرچه ادبیات گسترده‌ای به بررسی نقش جداگانه عوامل کالبدی (مانند نورپردازی و کاربری زمین) یا عوامل اجتماعی (مانند سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی) در امنیت شهری پرداخته است، اما یک شکاف پژوهشی قابل توجه در این حوزه وجود دارد. مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین، امنیت شهری را عمدتاً از منظر یکی از ابعاد کالبدی، اجتماعی یا حکمرانی بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی که به سنجش هم‌زمان و مقایسه سهم نسبی این ابعاد در قالب یک چارچوب تحلیلی یکپارچه پرداخته باشند، همچنان محدود است (Ghasemi et al., 2025; Rasoulzadeh Aghdam et al., 2024; Udoh & Luna-Reyes, 2025). به عبارت دیگر، این پرسش اساسی که "کدام یک از این ابعاد از قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری برخوردارند؟" اغلب بدون پاسخ مانده است. پر کردن این خلأ پژوهشی، به ویژه در بافت‌های شهری دارای مشکلات چندگانه (فرسودگی کالبدی، ناهمگونی اجتماعی و ضعف نهادهای محلی)، از اولویت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و طراحی مداخلات کارآمدتر بینجامد.

شهرک آزادشهر یزد به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی چون بافت فرسوده، سطح بالای مهاجرت‌پذیری و ناهمگونی اجتماعی (زیاری، ۱۳۹۰)، نمونه‌ای شاخص و مناسب برای واکاوی این تعامل سه‌بعدی فراهم می‌آورد. این محله به طور عینی، چالش‌های مشترک بسیاری از محلات شهری ایران را باز می‌تاباند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی چندبعدی امنیت اجتماعی در محیط‌های شهری، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی چه تأثیری بر امنیت اجتماعی ساکنان شهرک آزادشهر یزد دارند و شدت اثرگذاری هر یک چگونه است؟ پاسخ به این پرسش، ضمن روشن ساختن سهم نسبی هر یک از این ابعاد، می‌تواند به درک عمیق‌تری از سازوکارهای مؤثر بر امنیت اجتماعی در محلات شهری منجر شده و زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و مداخلات هدفمندتر در حوزه برنامه‌ریزی و حکمرانی شهری شود.

پیشینه پژوهش

تحولات سریع کالبدی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، امنیت در محلات شهری را به موضوعی پیچیده و چندبعدی تبدیل کرده است. این موضوع نه تنها از ویژگی‌های محیط فیزیکی تأثیر می‌پذیرد، بلکه کیفیت روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت محله‌ای، سبک زندگی و الگوهای کاربری زمین نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

از منظر شهرسازی، نظریه جیکوبز (۱۹۶۱) بر فعالیت‌پذیری و حضور مداوم مردم در عرصه عمومی به‌عنوان منبع نظارت طبیعی («چشمان در خیابان») تأکید دارد و نیومن (۱۹۷۲) با نظریه «فضای قابل دفاع» اهمیت سازمان فضایی، مرزبندی قلمروها، نورپردازی و نظارت طبیعی را در کاهش فرصت جرم برجسته می‌کند. این مفاهیم در رویکردهای مدرن CPTED توسعه یافته و همچنان در تحلیل امنیت محیطی جایگاه مهمی دارند (Taylor & Harrell, 1996; Cairns et al., 2025; Hou et al., 2025; Senna, 2025; Von Ferber & Petrossian, 2025; Widya Putra et al., 2023).

تحقیقات گوناگون نشان داده‌اند که شبکه خیابان‌ها، الگوی اتصال معابر، نوع کاربری زمین، نورپردازی، وضعیت پیاده‌رو و دیدپذیری تقاطع‌ها، با وقوع جرم و ادراک امنیت رابطه مستقیم دارند (Stucky & Ottensmann, 2009; Davies, & Bishop, 2013; Davies & Bowers, 2018; Sohn, 2016; Takano et al., 2023; Wen et al., 2025) و همکاران (۲۰۲۳) نیز تأیید کردند که ویژگی‌های خردمقیاس خیابان مانند نورپردازی، وضعیت پیاده‌رو، دیدپذیری تقاطع‌ها و کاربری‌های پیرامونی با الگوهای جرم رابطه مستقیم دارند.

در ایران نیز چنگیزی (۲۰۲۵) با مقایسه حس امنیت در بافت‌های قدیمی و جدید محله چله‌خانه در رشت، نشان می‌دهد که ساختار فیزیکی، الگوهای استفاده از فضا و کیفیت تعاملات اجتماعی در بافت تاریخی، به‌طور معناداری بر ادراک امنیت شهروندان تأثیر گذارند.

محمدی‌حمیدی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که امنیت تحت تأثیر تلفیقی عوامل کالبدی و اجتماعی است. حاتمی و ذاکر حقیقی (۱۳۹۹) نیز تأکید کردند که کیفیت کالبدی زمانی بیشترین اثر را دارد که با روابط اجتماعی قوی همراه باشد. یوسفی (۱۳۹۳) و سلورزی زاده و همکاران (۱۳۹۷) و رضایی و همکاران (۱۴۰۳) نیز نقش سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در افزایش احساس امنیت را مورد تأکید قرار داده‌اند.

نظریه‌های جامعه‌شناختی امنیت بر نقش سرمایه اجتماعی، روابط همسایگی، هویت محله‌ای و انسجام گروهی تأکید دارند (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001) هرچه شبکه ارتباطی ساکنان قوی‌تر و مشارکت محلی فعال‌تر باشد، احساس امنیت و کنترل اجتماعی غیررسمی نیز افزایش می‌یابد (Amerian, 2024; Pazhuhan, 2023).

کاهش انسجام اجتماعی، جابه‌جایی مکرر جمعیت، ناهمگونی فرهنگی و ساخت‌وسازهای نامتعارف از عوامل مهم احساس ناامنی در محلات ایرانی محسوب می‌شوند (زیاری، ۱۳۹۰؛ حسینی و کاملی، ۱۳۹۶؛ عباسزادگان و همکاران، ۱۳۹۵).

بیات (۱۳۹۶) نشان داد که افزایش تعلق محله‌ای سبب کاهش پنداشت ناامنی می‌شود و حاجی‌علیزاده و همکاران (۱۳۹۶) بر نقش مدیریت فضا، امنیت فیزیکی، مرزبندی قلمرو و نظارت طبیعی تأکید کرده‌اند.

درودی (۱۳۹۶) نیز نقش مؤلفه‌های فیزیکی-کالبدی، دسترسی، نظارت و حس تعلق را در شکل‌گیری امنیت محله‌ای مورد تأیید قرار داده است.

پژوهش‌های بین‌المللی اخیر نشان داده‌اند که تأثیر محیط کالبدی بر امنیت وابسته به زمینه اجتماعی و ویژگی‌های جمعیتی است. هو و همکاران^۲ (۲۰۲۵) در چین نشان دادند که اصول CPTED بر ادراک امنیت فضاهای سبز تأثیر دارند اما وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نیازهای بین‌فردی نقش میانجی مهم دارند. آیونیدیز و همکاران^۳ (۲۰۲۵) در مطالعه خود نشان دادند که بهبود کالبدی صرف، بدون تقویت اعتماد اجتماعی و مشارکت محلی، قادر به ارتقای پایدار امنیت نیست.

قاسمی و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که در کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه، امنیت محلات با چالش‌هایی ناشی از تعارض میان نظارت شهری، حریم خصوصی و نابرابری‌های اجتماعی مواجه است و با خوشه‌بندی فضایی و تجربه‌های زیسته،

¹ Lee et al

² Hou et al

³ Ioannidis et al

امنیت شهری را در شهرهای جدید مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش‌های سنا^۱ (۲۰۲۵) راپ و همکاران^۲ (۲۰۲۵) و پورتا^۳ و همکاران (۲۰۲۳) خلیجی پور جعفر (۲۰۲۴) نیز نقش مداخلات مبتنی بر CPTED و مشارکت جامعه در افزایش امنیت شهری را برجسته کرده‌اند.

ادبیات نظری موجود سه گزاره کلیدی را به عنوان مبنا و توجیه پژوهش حاضر تقویت می‌کند: اولاً، امنیت در محلات شهری، محصول تعامل پویای سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی است و بررسی تک‌بعدی نمی‌تواند تصویر کاملی ارائه دهد.

ثانیاً، با وجود درک این چندبعدی بودن، سهم و قدرت نسبی هر یک از این ابعاد در تبیین واریانس امنیت، در یک مدل یکپارچه و در بافت محلات شهری ایران به صورت تجربی و کمی سنجیده نشده است.

ثالثاً، محلاتی با ویژگی‌های ترکیبی مشابه آزادشهر یزد (مهاجرپذیری، ناهمگونی اجتماعی، فرسودگی کالبدی)، که از چالش‌های چندگانه رنج می‌برند، نیازمند مدل‌هایی هستند که اولویت‌بندی مداخلات را بر اساس شدت اثر عوامل مشخص کنند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم امنیت

امنیت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی و پیش‌شرط تحقق زندگی شهری پایدار و باکیفیت، همواره در کانون توجه نظریه‌پردازان مطالعات شهری قرار داشته است (معین ۱۳۷۵; Oxford English Dictionary, 1998). دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر توافق دارند که امنیت صرفاً محصول ساختارهای رسمی نظارتی نیست، بلکه عمیقاً تحت تأثیر بستر اجتماعی-فضایی محلات شکل می‌گیرد (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001; Giddens, 1991).

امنیت مفهومی فراتر از امنیت فردی است و به توانایی جامعه برای حفظ هویت، انسجام، نظم و تعاملات مشترک اشاره دارد (Buzan, 1998). این مفهوم دارای دو بعد متمایز است: نخست، امنیت عینی که به شرایط فیزیکی، ساختار محیط و رفتارهای کنترلی اشاره دارد و تضمین‌کننده سلامت جسمانی است؛ و دوم، امنیت ذهنی که بر ادراک و احساس ایمنی افراد تأکید دارد و مستقیماً بر کیفیت زندگی و رضایت فردی تأثیر می‌گذارد (پاکزاد، ۱۳۸۱). نظریه سلسله‌مراتب نیازهای انسانی مازلو (۱۹۴۳) امنیت را در مرتبه دوم نیازهای انسانی قرار می‌دهد و شامل ثبات، حمایت اجتماعی، نظم و رهایی از ترس و نگرانی است. امنیت وجودی نیز به احساس ثبات، پیوستگی هویتی و پایداری روانی فرد در زندگی روزمره مرتبط است و نشان می‌دهد که امنیت نه تنها یک پدیده عینی بلکه یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی است که با هویت و تجربه جمعی فرد ارتباط دارد (Giddens, 1991). در محیط‌های شهری، مفهوم «امنیت شهری» ترکیبی از این ابعاد است و شامل حفاظت فیزیکی، کنترل جرم و ادراک امنیت ساکنان می‌شود (Valente, 2018; Jabareen, 2017).

نظریه‌های پایه در امنیت شهری

امنیت در محلات شهری مفهومی پیچیده است که محصول تعامل پویای میان ویژگی‌های کالبدی فضا و ساختارهای اجتماعی ساکنان است. جین جاکوبز (۱۹۶۱) در نظریه «چشم‌های طبیعی بر خیابان» نشان داده است که تنوع کاربری، حضور مداوم مردم و فعالیت پیاده، شرایطی را ایجاد می‌کند که نظارت غیررسمی را تقویت کرده و فرصت جرم را محدود می‌سازد. نیومن (۱۹۷۲) نیز با نظریه «فضای قابل دفاع» تأکید می‌کند که قلمروگرایی، کنترل دسترسی، خوانایی محیط و نگهداری فضا می‌توانند به شکل‌گیری امنیت شهری کمک کنند.

در دهه‌های اخیر، این دیدگاه‌ها مبنای شکل‌گیری رویکرد CPTED شدند که نسل اول آن بر عوامل فیزیکی از جمله نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تقویت قلمرو و نگهداشت تأکید داشت (Crowe, 2000). اما تحقیقات جدید نشان دادند که عوامل

¹ Senna

² Rupp et al

³ Putra et al

کالبدی به‌تنهایی قادر به تبیین امنیت نیستند (Clancey, 2015)؛ به همین دلیل، نسل دوم و سپس نسل سوم CPTED با افزودن مؤلفه‌هایی همچون انسجام اجتماعی، تعاملات همسایگی، ظرفیت اجتماعی محله، فرهنگ جمعی، حس تعلق، و مدیریت اجتماعی توسعه یافتند (Saville & Cleveland, 2008; Saville, & Mihinjac, 2022). پژوهش‌های جدید نیز رابطه مستقیم کیفیت محیطی—نورپردازی، دید، کاربری مختلط، انسجام منظر، اختلاط کاربری—با احساس امنیت شهروندان را تأیید کرده‌اند (Armitage, 2021; Cozens & Stoks, 2025; Lee et al., 2023).

از سوی دیگر، رویکردهای اجتماعی نیز ابعاد مکمل امنیت را توضیح می‌دهند. نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام (۲۰۰۰) تأکید می‌کند که انسجام اجتماعی، اعتماد و مشارکت جمعی، توانایی محلات در اعمال کنترل اجتماعی غیررسمی را افزایش می‌دهد. در جرم‌شناسی محیطی نیز سامپسون و راودنیوش (۱۹۹۹) نشان می‌دهند که نظارت غیررسمی و انسجام اجتماعی مهم‌ترین عوامل کاهش ترس از جرم هستند. تحقیقات جدیدتر بیان می‌کنند که ناهمگنی جمعیتی، جابجایی مداوم، فقر، سبک زندگی، و ضعف شبکه‌های اجتماعی می‌تواند سطح امنیت و احساس امنیت را تضعیف کند (Chataway, & Bourke, 2020; Kim & Hipp, 2020; Cole, 2019).

در ایران نیز مطالعات محله‌ای نشان داده‌اند که ترکیب عوامل کالبدی و اجتماعی بیشترین اثر را بر امنیت ادراک شده دارد و صرفاً مداخلات کالبدی، بدون تقویت مشارکت و انسجام اجتماعی، اثر پایداری نخواهد داشت (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۲، احمدی و مهرجو، ۱۳۹۹). همچنین یافته‌ها تأکید می‌کنند که مدیریت اجتماعی محلات، هویت محله‌ای و تعاملات همسایگی از عوامل کلیدی امنیت هستند.

این ادبیات نظری در قالب مجموعه‌ای از نظریات مکانی و اجتماعی مرتبط با امنیت، در جدول ۱ جمع‌بندی شده است که نشان می‌دهد چگونه هر یک از نظریات بر ترکیب متفاوتی از عوامل کالبدی، اجتماعی و مدیریتی تأکید دارند.

جدول ۱: خلاصه نظریات مکانی مرتبط با امنیت در حوزه‌های سکونتی

عنوان نظریه	اصول شکل دهنده	شاخص / معیار
الگوی جرم (Crime Pattern Theory)	رفتار مجرمانه تابع الگوهای فضایی و مسیرهای حرکت مردم است؛ تعداد گره‌ها و مسیرهای پرفت‌وآمد، تراکم نقاط پرفت‌وآمد و مسیرها فرصت‌های جرم را شکل می‌دهند.	مسیرها، لبه‌ها و تقاطع‌های جرم
پنجره شکسته (Broken Windows)	نظم و مراقبت محیطی، حضور مستمر مردم و نظارت غیررسمی کیفیت نگهداری محیط، تعداد ناهنجاری‌های فرصت جرم را محدود می‌کند	کوچک، سطح حضور و نظارت مردم.
فضای قابل دفاع (Newman)	نظم و مراقبت محیطی، حضور مستمر مردم و نظارت غیررسمی وجود مرزبندی فضا، فعالیت‌های نظارتی ساکنان فرصت جرم را محدود می‌کند.	وضعیت نگهداری، اختلاط کاربری
نسل اول CPTED	قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی و فعالیت حمایت‌کننده مشخص بودن مرزهای فضا، حضور مردم در نظارت، اصول پیشگیری از جرم را شکل می‌دهند.	محدودیت دسترسی، فعالیت‌های حمایت‌کننده
نسل دوم CPTED	انسجام اجتماعی، آستانه ظرفیت، ارتباط با محله‌های دیگر و فرهنگ شبکه‌های اجتماعی محله، تعاملات همسایگی جمعی اصول تقویت تعامل اجتماعی و مسئولیت جمعی برای امنیت مشارکت جمعی، ارتباط با محله‌های دیگر را ایجاد می‌کنند.	
امنیت از طریق طراحی (SBD)	امنیت فیزیکی، نظارت غیررسمی، کنترل ورود/خروج، قلمروپایی و سیستم‌های حفاظتی، کنترل دسترسی، وضعیت مدیریت محیط، پیشگیری از جرم را ممکن می‌سازند.	نگهداری، مرزبندی فضا، حضور ناظرین محلی
نسل سوم CPTED	حکمرانی محله‌ای، مشارکت اجتماعی، عدالت فضایی، فعالیت‌پذیری برنامه‌های مشارکتی، توزیع عادلانه امکانات، فضا، هویت و حس تعلق اصول امنیت جامع و پایدار را شکل می‌دهند فعالیت اجتماعی، حس تعلق و هویت محله‌ای، عدالت فضایی	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴).

به‌طور خلاصه، امنیت در محلات شهری محصول تعامل میان سه لایه اصلی است:

۱. عوامل کالبدی: نورپردازی، کیفیت طراحی فضا، خوانایی، کنترل دسترسی، اختلاط کاربری، نگهداشت.
۲. عوامل اجتماعی: انسجام اجتماعی، اعتماد، مشارکت، شبکه‌های همسایگی، سرمایه اجتماعی.

۳. عوامل مدیریتی: مدیریت محله، حکمرانی محلی، ظرفیت نهادی و عدالت فضایی.

عوامل کالبدی با کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و ارتقای قابلیت نظارت‌پذیری محیط، واجد نقشی بازدارنده و اصلاحی‌اند: حال آنکه عوامل اجتماعی و مدیریتی از طریق تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای سازوکارهای کنترل غیررسمی و تحکیم هویت مکانی، کارکردی پیشگیرانه، پایدار و ساختاری ایفا می‌کنند. بر این اساس، تحقق امنیت پایدار مستلزم اتخاذ رویکردی تلفیقی است که مداخلات کالبدی را به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ با تقویت سازوکارهای اجتماعی و نظام حکمروایی محلی دنبال کند. این رویکرد یکپارچه، شالوده مدل مفهومی و چارچوب تحلیلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

عوامل کالبدی موثر بر امنیت

قدمت ساختمان‌ها و فرسودگی بافت: قدمت ابنیه شاخص مهمی در کیفیت کالبدی محله است و فرسودگی ناشی از زمان، اقلیم و ضعف نگهداشت، آسیب‌پذیری و ناامنی را افزایش می‌دهد (قشلاق‌پور و باباخانی، ۱۴۰۰؛ قربانلو و همکاران، ۱۴۰۳). فرسودگی اغلب موجب خروج ساکنان بومی، افزایش حضور غیرمالک و تمرکز جرم می‌شود. شواهد جهانی نیز ارتباط میان مدیریت ضعیف ابنیه قدیمی و نرخ‌های بالاتر جرم را تأیید می‌کند (Hipp, 2010; Andersen, 2019; Liu et al., 2024; Ioannidis et al., 2025).

نورپردازی: روشنایی مناسب معابر حضور ساکنان را افزایش و فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهد (صیاد بیدهندی و همکاران، ۱۳۹۶؛ بهزادپور و ساروخانی، ۱۳۹۹). مرور نظام‌مند فارینگتون و ولش^۱ (۲۰۰۷) با بررسی ۱۳ مطالعه قبلی نشان داده است که بهبود روشنایی معابر با کاهش متوسط ۲۱٪ جرم همراه بوده است. علاوه بر این، آزمایشی تصادفی^۲ در نیویورک نشان داد که روشنایی معابر باعث کاهش ۳۶٪ جرائم فضای باز شبانه می‌شود (Chalfin et al., 2022). در CPTED، نورپردازی مؤثرترین ابزار کاهش ترس از جرم محسوب می‌شود (Fennelly & Perry, 2018; Lee et al., 2016).

فضاهای عمومی: فضاهای هویت‌بخش مانند مساجد، فرهنگسراها و مراکز ورزشی انسجام محلی و ادراک امنیت را افزایش می‌دهند (عباس‌زاده و پروین، ۱۴۰۳؛ قرایی و همکاران، ۱۳۸۹). مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که فضاهای عمومی فعال و قابل نظارت، ترس از جرم را کاهش و پیوندهای محلی را تقویت می‌کنند (Gehl, 2011; Madanipour, 2013; Cozens et al., 2022). طراحی این فضاها یکی از ابزارهای اصلی تقویت امنیت است (Kyaagba et al., 2024; Cozens, 2016).

اختلاط کاربری: اختلاط کاربری موجب افزایش پویایی، حضور مردم و کاهش فرصت‌های جرم می‌شود (Tybaldz, 2004). ترکیب مناسب کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی محیط‌های ایمن‌تر و فعال‌تر ایجاد می‌کند (Jacobs, 1961). تراکم ساختمانی و کاربری زمین) به‌طور مستقیم بر توزیع جرم اثر دارد. (Cozens, 2016; Lee et al., 2023; Dane et al., 2022; Cozens & Davern, 2025)

کاربری زمین: امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط‌کننده آن بستگی دارد و کاربری‌های خلوت، متروک یا ناسازگار می‌توانند زمینه‌ساز جرم باشند (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). مطالعات بین‌المللی با تحلیل مکانی و GIS نشان داده‌اند که ترکیب مناسب کاربری زمین، حضور فعالیت‌های انسانی و ترافیک پیاده، می‌تواند ظرفیت جرم‌خیزی را کاهش دهد (Cozens & Love, 2017; Mburu & Mutua, 2023; Cozens & Davern, 2025; Liu et al., 2024).

نوع مسکن: نوع مسکن و طراحی ساختمان‌ها بر وقوع جرم تأثیر مستقیم دارد؛ مجتمع‌های آپارتمانی به دلیل کاهش فضاهای مشترک، ضعف در نظارت جمعی و فقدان حس تعلق، زمینه بزهکاری بیشتری فراهم می‌کنند (خمر و مباشری، ۱۴۰۰؛ جلالیان و همکاران، ۱۴۰۱). تحقیقات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که ساختمان‌های بلندمرتبه یا با مالکیت عمومی و کنترل دسترسی

¹ Farrington & Welsh

² Randomized Experiment

ضعیف، تمرکز بالاتری از جرم را تجربه می‌کنند و فقدان حس مالکیت و ارتباط اجتماعی ساکنان با افزایش وقوع جرم مرتبط است (Hipp et al., 2019; Sypion, 2023; Ioannidis et al., 2025).

عوامل کالبدی موثر بر امنیت

تراکم جمعیتی: افزایش تراکم با کاهش شناخت متقابل میان ساکنان و افزایش حضور غریبه‌ها، احتمال جرم را بالا می‌برد (سلطانی، ۱۳۹۵؛ عیاده‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). تحلیل‌های جهانی نیز رابطه معنادار تراکم با الگوهای جرم را تأیید می‌کنند (Andresen, 2011; Weisburd et al., 2012). باین‌حال، تراکم می‌تواند نظارت طبیعی را افزایش دهد مشروط بر امکان شناسایی افراد (عزیزی و شعبان‌جولا، ۱۳۹۳).

مهاجرت: جابه‌جایی مکرر جمعیت انسجام اجتماعی را تضعیف و فرصت‌های بزهکاری را افزایش می‌دهد (جعفرلو، ۱۳۹۷؛ مجتبیایی و همکاران، ۱۳۹۹). شواهد بین‌المللی نیز اثرات منفی موج‌های بزرگ مهاجرت را تأیید می‌کند (Bell et al., 2013; Sampson et al., 1997). در محلات با سرمایه اجتماعی ضعیف، اثرات مهاجرت تشدید می‌شود (Kirk & Laub, 2010). **سرمایه اجتماعی:** سرمایه اجتماعی یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل امنیت در محلات است و ابعادی همچون اعتماد متقابل، مشارکت شهروندی، انسجام اجتماعی و شبکه‌های همسایگی را دربر می‌گیرد (Putnam, 2000; Forest & Kearns, 2001). سرمایه اجتماعی قوی توان کنترل اجتماعی غیررسمی را افزایش داده و فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهد (Qi et al., 2024). همچنین می‌تواند اثرات منفی برخی عوامل کالبدی و اجتماعی مانند تراکم بالا یا مهاجرت را تعدیل کند (Duncan et al., 2003; Yesberg & Bradford, 2021). انسجام و اعتماد محلی، ادراک امنیت را تقویت و ترس از جرم را کاهش می‌دهد (Sampson et al., 1997; Zahnow et al., 2022; Jabareen et al., 2017).

همسایه‌بانی (روابط همسایگی): روابط همسایگی مبتنی بر اعتماد و تعامل مستمر، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای ارتقای امنیت است. این روابط با تقویت کنترل اجتماعی غیررسمی و افزایش شناخت متقابل، احساس امنیت را در میان ساکنان بالا می‌برد (فتحی، ۱۳۹۱). کاهش تعاملات همسایگی موجب افت سرمایه اجتماعی و افزایش احساس غریبگی می‌شود (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹). شواهد بین‌المللی نیز ارتباط مثبت انسجام همسایگی با کاهش ترس از جرم و افزایش امنیت ادراک‌شده را نشان می‌دهند (Cozens & Love, 2015; Jabareen et al., 2017; Wood & Thompson, 2020). شبکه‌های محلی قوی توان محله در کاهش فرصت‌های جرم را افزایش می‌دهند (Lub, 2018; Bennett et al., 2009; Pepper et al., 2025).

حس مالکیت یا قلمروداری: حس مالکیت یکی از عناصر کلیدی در طراحی محیطی و سرمایه اجتماعی است و نقش مهمی در ارتقای امنیت محله دارد. نظریه فضای قابل‌دفاع نیومن (۱۹۷۲) بیان می‌کند که احساس مالکیت نسبت به یک قلمرو، مسئولیت‌پذیری و نظارت را افزایش داده و فرصت‌های جرم را کاهش می‌دهد. مداخلاتی مانند مرزبندی، تابلوها، نگهداشت منظم فضا و نشانه‌های مالکیت می‌توانند این احساس را تقویت کنند (Senna et al., 2025; Zeng et al., 2023). همچنین مدیریت ضعیف ساختمان‌ها با تمرکز جرم مرتبط است (Ioannidis et al., 2025). در CPTED نسل سوم، نشانگرهای مالکیت یکی از ابزارهای اصلی تقویت مشارکت اجتماعی و پیشگیری از جرم هستند (Mihinjac & Saville, 2019).

سبک زندگی: تحولات سبک زندگی شهری، به‌ویژه گذار به آپارتمان‌نشینی بلندمرتبه، ساختار تعاملات اجتماعی و محله‌محوری را به‌طور چشمگیری تغییر داده است (اسماعیل‌پور، ۱۴۰۰). در ساختمان‌های بلندمرتبه، تعاملات محدودتر و حس تعلق مکانی ضعیف‌تر است (Nguyen et al., 2020; Nguyen et al., 2025). فضاهای مشترک عمودی (راهرو، آسانسور) جایگزین فضاهای افقی محله‌ای می‌شود و این امر می‌تواند احساس انزوا، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش ادراک ناامنی را به دنبال داشته باشد (Sypion, 2023; Dwijendra et al., 2021; Van Soomeren et al., 2016; Shaftoe, 2007).

عوامل کالبدی موثر بر امنیت

حضور پلیس: در چارچوب CPTED، حضور فعال پلیس از طریق گشت‌های پیاده، ایستگاه‌های محله‌ای و مشارکت در طراحی محیطی، نظارت رسمی را تقویت و فرصت‌های جرم را کاهش می‌دهد (Fleissner & Heinzlmann, 1996; Newman, 1972). تحقیقات نشان می‌دهد ترکیب طراحی محیطی، مشارکت شهروندان و حضور پلیس، اثربخشی پیشگیری از جرم را افزایش می‌دهد (Senna et al., 2025; Rupp et al., 2025; Cozens & Love, 2015)، اما حضور صرف پلیس بدون یکپارچگی با طراحی محیطی و مشارکت محلی تأثیر محدودی دارد (Kelling et al., 1974).

نظارت رسمی: این نظارت شامل دوربین‌های مداربسته، گشت‌های فعال و مشارکت نهادهای امنیتی در طراحی محیطی است که موجب کاهش فرصت‌های جرم و افزایش حس ایمنی می‌شود (Choi et al., 2024; Hou et al., 2025). طراحی محیطی مناسب اثربخشی نظارت رسمی را افزایش می‌دهد (Jeffery, 1971; Newman, 1972) و سیستم‌های هوشمند CPTED با مشارکت نهادهای رسمی به افزایش امنیت می‌انجامند (Qi et al., 2025; Cozens & Love, 2015). پژوهش‌های ایرانی نیز نقش نظارت رسمی را در بهبود امنیت محله‌ای تأیید کرده‌اند (وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸؛ قشلاق‌پور و باباخانی، ۱۴۰۰).

عدالت فضایی: توزیع متوازن فضاها، خدمات و زیرساخت‌های امنیتی میان محله‌ها که دسترسی برابر به محیط‌های امن را فراهم می‌کند (Welsh et al., 2024; Piroozfar, 2019; Midtveit, 2005). طراحی محیطی عادلانه با تقویت دسترسی عمومی و مشارکت اجتماعی، امنیت را افزایش می‌دهد (Gill et al., 2024; Ceccato & Brantingham, 2024). مطالعات ایرانی نشان داده‌اند که بازتوزیع فضاهای شهری با اصول عدالت فضایی می‌تواند بزهکاری را کاهش دهد (وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸).

مدیریت محله: سازمان‌دهی فعالیت‌های محلی با مشارکت ساکنان و نهادهای محلی که هدف آن افزایش نظارت، حس مالکیت و کاهش فرصت‌های جرم است (Sampson & Raudenbush, 1999). برنامه‌های محله‌ای مبتنی بر CPTED موجب ارتقای امنیت و کاهش بزهکاری می‌شوند (Cozens et al., 2022; Malik, 2024; Hou et al., 2025). رویکردهای مشارکتی در مدیریت محله اثربخشی پیشگیری از جرم را افزایش می‌دهند (Wen, 2024; Stupar, 2024) و مداخلات CPTED با مشارکت جامعه به کاهش جرم خشونت‌آمیز منجر می‌شوند (Rupp et al., 2025; Nubani, 2023).

خدمات شهری: زیرساخت‌ها و اقدامات عملیاتی مانند روشنایی معابر، نگهداری فضای سبز و پاکیزگی که با بهبود «دید» شدن فضا به کاهش فرصت‌های جرم کمک می‌کنند (Saxe, 2024; Yang & Koizumi, 2025). نظریه پردازان کلاسیک CPTED بر اهمیت نگهداری محیطی تأکید کرده‌اند (Jeffery, 1971; Newman, 1972). خدمات شهری با کیفیت در ترکیب با طراحی محیطی پایدار موجب افزایش حس امنیت و کاهش جرم می‌شود (Wen et al., 2024; Sakip et al., 2023) و نگهداری مستمر محیط‌های عمومی با کاهش وقوع جرم مرتبط است (Askari, 2023; Syauqi e al., 2024).

مواد و روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته اکتشافی-تبیینی انجام شده است. در این رویکرد، داده‌های کیفی و کمی به صورت مکمل و در چارچوب یک منطق تحلیلی واحد به کار گرفته شده‌اند، به گونه‌ای که مرحله کیفی نقش تبیینی در شناسایی و بومی‌سازی ابعاد و شاخص‌های امنیت اجتماعی ایفا کرده و مرحله کمی به سنجش روابط و شدت اثرگذاری این ابعاد پرداخته است. بدین معنا، پژوهش حاضر واجد توالی زمانی سخت‌گیرانه میان دو مرحله نیست، بلکه پیوند مفهومی میان یافته‌های کیفی و تحلیل‌های کمی مبنای طراحی پژوهش را شکل داده است. این رویکرد به منظور دستیابی به درک جامع‌تری از امنیت اجتماعی در بافت خاص شهرک آزادشهر یزد انتخاب شده است (Creswell & Plano Clark, 2017).

مرحله اول: فاز کیفی (تحلیل مضمون)

این پژوهش در مرحله نخست با رویکرد کیفی اکتشافی انجام شد تا ابعاد کالبدی و اجتماعی مؤثر بر امنیت در شهرک آزادشهر یزد بر اساس تجربه زیسته ساکنان، کارشناسان و متخصصان استخراج شود. برای این منظور از روش مرور نظام‌مند انتقادی و تحلیل مضمون استفاده شد. این رویکرد امکان می‌دهد:

- شاخص‌های بومی و واقعیت‌مند امنیت شناسایی شوند.
 - مؤلفه‌های نظری CPTED نسل اول، دوم و سوم با شرایط واقعی محله ترکیب شوند.
 - ابزار پرسشنامه مرحله کمی بر اساس داده‌های واقعی و ادراک مردمی ساخته شود.
- در بخش مرور نظری اولیه، فرایند جمع‌آوری و غربال متون علمی مطابق دستورالعمل پریزما انجام شد و منابع مرتبط با امنیت، CPTED، فضای قابل دفاع، سرمایه اجتماعی و حکمرانی محلی از پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی جمع‌آوری و غربال شدند. معیارهای ورود و خروج مقالات به صورت شفاف مشخص شد و منابع منتخب برای تکمیل چارچوب نظری استفاده شدند. بیش از ۳۰۰ مقاله و کتاب از پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی بررسی شد و پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها، حذف منابع تکراری و فاقد انسجام نظری ۷۸ منبع منتخب برای تحلیل دقیق و استخراج مفاهیم کلیدی انتخاب شدند.

جامعه، نمونه و روش گردآوری داده‌ها

جامعه آماری این در این مرحله شامل سه گروه ساکنان شهرک آزادشهر، کارشناسان امور امنیتی و پلیس محله، و متخصصان حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار دسترسی به اطلاعات غنی و تجربه مستقیم از موضوع، ۲۲ نفر (۱۲ ساکن، ۴ کارشناس امنیتی و ۴ متخصص) انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (با میانگین زمان ۴۰ دقیقه) انجام و تا رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت. محورهای مصاحبه شامل تجربه امنیت روز و شب، نقاط بی‌دفاع، کیفیت روشنایی و بافت، روابط اجتماعی، اثر مهاجرت و نقش نهادهای محلی بود. مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط و متن‌نویسی شد. رضایت آگاهانه شفاهی از تمام مشارکت‌کنندگان دریافت و مصاحبه‌ها ضبط و سپس متن‌نویسی شد.

تحلیل داده‌های کیفی

تمام داده‌های کیفی (مصاحبه‌ها و متون نظری) با روش ۶ مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۲۱) تحلیل مضمون تحلیل شدند. در گام نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد و کدهای اولیه از جملات کلیدی استخراج گردید^۲. در گام دوم، کدهای مشابه در خوشه‌های مفهومی قرار گرفت و مقوله‌های محوری شکل گرفت.

به‌منظور پیوند مرحله کیفی با مرحله کمی، مضامین استخراج‌شده به شاخص‌ها و زیرشاخص‌های قابل‌سنجش تبدیل شد. برای مثال، مضامین مرتبط با «کمبود روشنایی»، «فضاهای بی‌دفاع»، «نفوذپذیری معابر» و «فرسودگی بافت» به‌عنوان شاخص‌های کالبدی تعریف شدند. به همین ترتیب، مضامینی همچون «تضعیف روابط همسایگی»، «کاهش تعاملات»، «ناهمگونی فرهنگی»، «افزایش مهاجرت» و «سبک زندگی» در قالب شاخص‌های اجتماعی طبقه‌بندی گردید. همچنین یافته‌های مربوط به «ضعف مدیریت محلی»، «حضور ناکافی نهادهای امنیتی» و «عدالت فضایی» به‌عنوان مؤلفه‌های نهادی و حکمرانی مرتبط با CPTED نسل سوم مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، سه بعد «امنیت روز»، «امنیت شب» و «امنیت همسایگی» به‌عنوان ابعاد اصلی متغیر امنیت شناسایی شدند. این شاخص‌ها مبنای طراحی گویه‌های پرسشنامه مرحله کمی و مدل مفهومی پژوهش قرار گرفت. در نهایت، مضامین اصلی و فرعی پژوهش تدوین و با یافته‌های نظری حاصل از مرور نظام‌مند ادبیات تطبیق داده شد. در مجموع ۲۷۴ کد اولیه استخراج و سپس در قالب ۱۳ مقوله فرعی و در نهایت چهار مضمون اصلی طبقه‌بندی شد:

^۱ اشباع نظری در مصاحبه ۱۹ام حاصل شد و ۳ مصاحبه دیگر برای اطمینان از ثبات مفاهیم انجام گرفت.

^۲ نمونه کدهای خام: شب‌ها بعضی کوچه‌ها اصلاً روشنایی نداره → کد اولیه: کمبود روشنایی، آدم‌های جدید محله رو نمی‌شناسم → گسست روابط همسایگی، پلیس کمتر سر می‌زنه → ضعف گشت امنیت، محله خیلی مهاجرپذیر شده → تنوع جمعیتی / مهاجرت

- ۱) عوامل کالبدی (نورپردازی، فضاهای عمومی، اختلاط کاربری، کاربری زمین، قدمت ابنیه، نوع مسکن)،
 - ۲) عوامل اجتماعی (تراکم جمعیتی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سبک زندگی، حس تعلق و مالکیت، سرمایه اجتماعی)،
 - ۳) عوامل نهادی و حکمرانی (حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت فضایی، مدیریت محله، خدمات شهری)،
 - ۴) امنیت (امنیت روز، شب و همسایگی).
- این مضامین هم‌راستا با اصول CPTED نسل اول (عوامل کالبدی)، نسل دوم (سرمایه اجتماعی و تعاملات محله‌ای) و نسل سوم (حکمرانی محله‌ای و عدالت فضایی) بودند و مبنای طراحی ابزار کمی پژوهش قرار گرفتند. بدین ترتیب، چارچوب مفهومی پژوهش نه از طریق انتقال مستقیم شاخص‌ها از ادبیات نظری، بلکه از طریق بازتفسیر انتقادی نظریه‌های موجود در پرتو داده‌های کیفی محلی و شرایط زمینه‌ای شهرک آزادشهر یزد بازساخت و بومی‌سازی شد.

روایی و اعتباربخشی تحلیل کیفی

برای افزایش اعتبار یافته‌های کیفی از روش‌های مختلف استفاده شد. نخست، از طریق بازبینی همکاران دو نفر از متخصصان شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری مضامین استخراج‌شده را ارزیابی کردند. دوم، با استفاده از روش مثلث‌سازی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با اسناد رسمی شهری، نقشه‌های محله، و ادبیات نظری CPTED مقایسه شدند. سوم، برای افزایش دقت تحلیل و سازمان‌دهی داده‌ها، نرم‌افزار NVivo به کار گرفته شد. همچنین، پایایی کدگذاری از طریق برآورد ضریب کاپای کوهن و با مقدار ۰.۸۲ تأیید شد که نشان‌دهنده توافق بالا میان کدگذاران است.

مرحله دوم: فاز کمی پژوهش

فاز کمی پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی است. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و عدم امکان دست‌کاری متغیرها، رویکرد همبستگی برای بررسی روابط و سنجش شدت اثرگذاری ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر امنیت اجتماعی ساکنان انتخاب شده است. در این چارچوب، روابط بین متغیرها بر اساس داده‌های ادراکی ساکنان و بدون ادعای علیت قطعی تحلیل شده و مدل‌سازی معادلات ساختاری به‌عنوان ابزار تحلیلی پیشرفته برای تبیین این روابط به کار گرفته شده است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل همه ساکنان آزادشهر (۸,۵۴۷ نفر) بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۰.۰۵ برابر ۳۶۷ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد تا همه اعضای جامعه آماری شانس برابر برای انتخاب شدن داشته باشند. این حجم نمونه با توجه به استانداردهای مدل‌سازی معادلات ساختاری (حداقل ۲۰۰ نمونه یا نسبت ۱۰ مشاهده برای هر پارامتر) مناسب ارزیابی شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته جمع‌آوری شد که مبتنی بر یافته‌های فاز کیفی و مکمل‌شده با ادبیات نظری مرتبط (از جمله مطالعات داخلی و بین‌المللی در حوزه امنیت شهری) طراحی گردید (جدول ۲). پرسشنامه شامل پنج بخش بود:

۱. مشخصات جمعیت‌شناختی
۲. عوامل کالبدی (نورپردازی، فضاهای عمومی، اختلاط کاربری، کاربری زمین، قدمت ابنیه، نوع مسکن)
۳. عوامل اجتماعی (تراکم جمعیتی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سبک زندگی، حس تعلق و مالکیت، سرمایه اجتماعی)
۴. عوامل نهادی-حکمرانی (حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت فضایی، مدیریت محله، خدمات شهری)

۵. امنیت (ادراک امنیت در روز، شب و همسایگی)

تمام گویه‌ها با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱ = کاملاً مخالف تا ۵ = کاملاً موافق) سنجیده شدند. برای اطمینان از قابلیت فهم پرسشنامه، پیش‌آزمون (پایلوت) روی ۳۰ نفر انجام و اصلاحات لازم اعمال شد.

جدول ۲: سازه‌ها، ابعاد و تعداد گویه‌ها در پرسشنامه

سازه	ابعاد فرعی	تعداد گویه‌ها	منبع نظری
عوامل کالبدی	نورپردازی، کیفیت ابنیه، اختلاط کاربری، دسترسی و نفوذپذیری، وضعیت فضاهای عمومی	۲۱	تحلیل کیفی + CPTED نسل اول
عوامل اجتماعی	تراکم جمعیتی، مهاجرت، سرمایه اجتماعی، روابط همسایگی، مشارکت اجتماعی، حس تعلق و مالکیت، سبک زندگی.	۲۳	تحلیل کیفی + CPTED نسل دوم
عوامل نهادی و حکمرانی	حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت قضایی، مدیریت محله، خدمات شهری	۱۷	تحلیل کیفی + CPTED نسل سوم
امنیت	امنیت روز، امنیت شب، امنیت همسایگی	*۸	ادبیات نظری امنیت

* پس از حذف سؤالات A5 و A6 به دلیل بار عاملی پایین (۰.۲۰ و ۰.۱۲)، مدل نهایی شامل ۸ سؤال برای سازه امنیت است. (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

روایی و پایایی ابزار

برای اطمینان از روایی محتوایی، پرسشنامه توسط ۶ نفر از متخصصان آشنا با موضوع امنیت شهری شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه در رشته‌های شهرسازی، جامعه‌شناسی شهری و جرم‌شناسی، که دارای سابقه پژوهشی و تجربی مرتبط با حوزه امنیت اجتماعی و مطالعات شهری بودند، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. روایی محتوایی ابزار با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR محاسبه و تأیید شد (شاخص $CVI = 0.91$ ، $CVR = 0.89$). پس از گردآوری داده‌ها، به منظور بررسی روایی سازه‌ای، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد و معیارهای AVE و CR برای ارزیابی روایی همگرا و نسبت CR/AVE برای بررسی روایی واگرا مورد استفاده قرار گرفت (جدول ۳).

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در سه گام انجام شد:

- ۱) تحلیل توصیفی: توزیع پاسخ‌ها، میانگین، انحراف معیار و فراوانی متغیرها گزارش شد.
- ۲) تحلیل استنباطی: برای بررسی روابط بین متغیرها از طریق همبستگی پیرسون
- ۳) مدل‌سازی معادلات ساختاری: این تحلیل در دو مرحله انجام شد:
 - تحلیل عاملی تأییدی: برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری (برازش مدل، روایی همگرا و واگرا).
 - مدل ساختاری: برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط علی بین سازه‌ها

جدول ۳: پایایی و روایی سازه‌ها (CFA)

سازه	آلفای کرونباخ (α)	پایایی ترکیبی CR	میانگین واریانس استخراج شده AVE	نتیجه روایی	وضعیت
عوامل کالبدی	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۵۶	روایی همگرا تأیید شد	قابل قبول
عوامل اجتماعی	۰.۷۹	۰.۸۹	۰.۶۲	روایی همگرا تأیید شد	مطلوب
عوامل نهادی-حکمرانی	۰.۸۱	۰.۹۰	۰.۵۹	روایی همگرا تأیید شد	مطلوب
امنیت	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۵۶	روایی همگرا تأیید شد	قابل قبول

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

شاخص‌های برازش مدل

براساس توصیه‌های (Hu & Bentler (1999) و Kline (2016)، معیارهای زیر برای ارزیابی برازش مدل SEM و CFA گزارش شد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد تمام شاخص‌ها در سطح مطلوب قرار دارند و نشان‌دهنده برازش مناسب مدل پیشنهادی هستند.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل SEM و CFA

شاخص	مقدار	حد قابل قبول	نتیجه
χ^2/df	۲،۴۱	کمتر از ۳	مطلوب
CFI	۰،۹۵	بیشتر از ۰،۹۰	عالی
TLI	۰،۹۴	بیشتر از ۰،۹۰	عالی
RMSEA	۰،۰۵۸	کمتر از ۰،۰۸	مناسب
SRMR	۰،۰۴۴	کمتر از ۰،۰۸	مناسب

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

مدل ساختاری

سه فرضیه اصلی پژوهش به صورت جداگانه آزمون شد:

فرضیه ۱: عوامل کالبدی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت دارند.

فرضیه ۲: عوامل اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت دارند.

فرضیه ۳: عوامل نهادی-حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت دارند.

جدول ۵: ضرایب مسیرهای مدل ساختاری

مسیر	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری	R ²	وضعیت فرضیه
عوامل کالبدی → امنیت	۰،۳۱	۴،۲۱	p < 0.001	۰،۲۳	تأیید شد (متوسط-قوی)
عوامل اجتماعی → امنیت	۰،۵۶	۱۱،۷۴	p < 0.001	۰،۵۷	تأیید شد (قوی)
عوامل نهادی-حکمرانی → امنیت	۰،۲۹	۳،۹۸	p < 0.001	۰،۱۹	تأیید شد (متوسط-ضعیف)

تفسیر R² بر اساس کوهن ۱۹۸۸، ۰،۰۲ = کوچک، ۰،۱۳ = متوسط، ۰،۲۶ = قوی. (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که هر سه بعد تأثیر مثبت و معناداری دارند، اما بعد اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده امنیت است. این یافته حاکی از آن است که سیاست‌های مؤثر در ارتقای امنیت باید هدفمند به تقویت شبکه‌های اجتماعی محلی باشند، در کنار بهسازی‌های کالبدی و ارتقای کیفیت حکمرانی محلی.

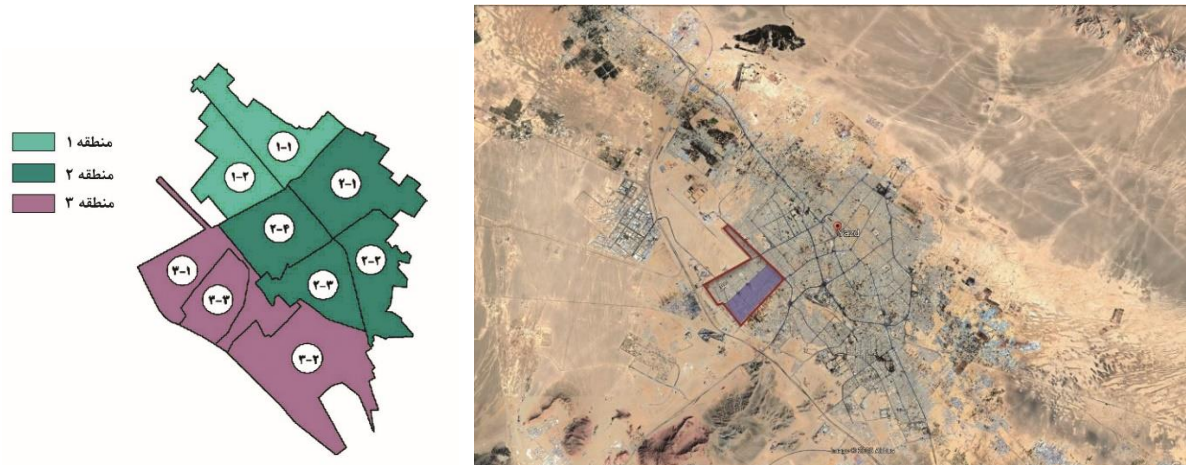
نرم‌افزارهای تحلیل

در بخش کیفی جهت استخراج شاخص‌ها از داده‌های کیفی از نرم‌افزار NVivo 12 استفاده شد. تمام تحلیل‌های کمی در نرم‌افزار SPSS برای تحلیل‌های مقدماتی و پایایی، و نرم‌افزار AMOS برای اجرای CFA و SEM انجام شد. در صورت نیاز، تحلیل‌های تکمیلی همچون بوت‌استرپینگ با تکرارهای بالا نیز اجرا شد.

محدوده مورد مطالعه

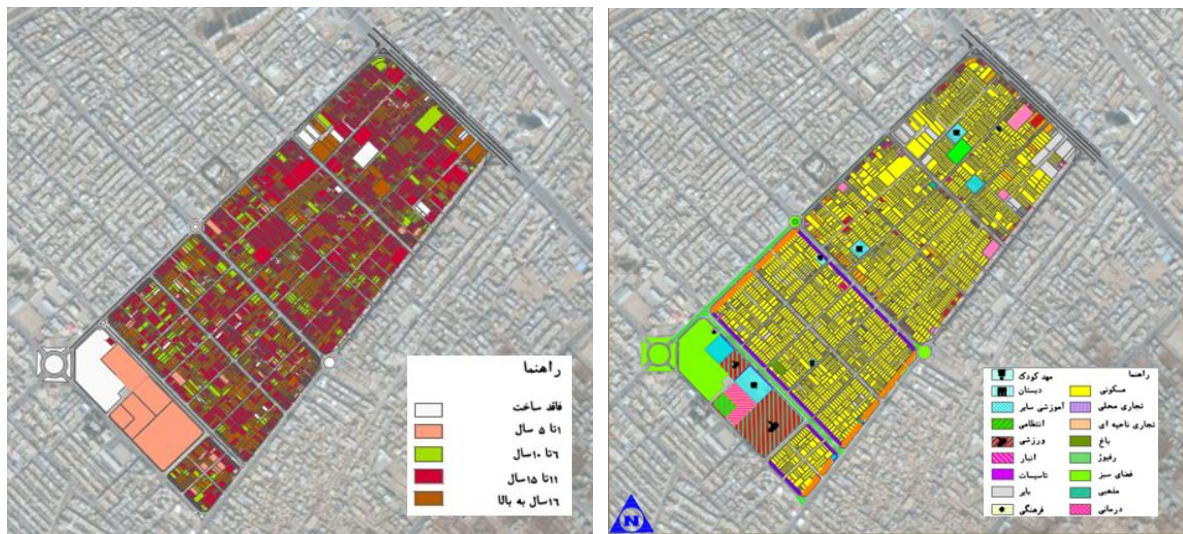
محدوده مورد مطالعه شامل بخشی از شهرک آزادشهر واقع در جنوب غرب شهر یزد و در ناحیه سوم منطقه سه تقسیمات شهری شهرداری یزد می‌باشد. این شهرک با رنگ قرمز و قلمرو تحقیق به رنگ آبی در شکل شماره ۱ مشخص شده است. محدوده مورد مطالعه اراضی واقع بین فلکه اول تا فلکه سوم شهرک آزادشهر را شامل می‌شود. جمعیت این بخش براساس آمار درج شده در

طرح تفصیلی شهر یزد (۱۳۹۶) ۱۰۸۳۸ نفر برآورد می‌شود. از لحاظ مکانی، این محدوده از شمال به خیابان شهید دهقان، از جنوب به خیابان معراج، از شرق به خیابان فرودگاه و از غرب به بزرگراه کنارگذر یزد محدود است.



شکل ۱: موقعیت شهرک آزادشهر و قلمرو تحقیق در شهر یزد و طرح تفصیلی سال ۱۳۹۶

توزیع کاربری‌ها در محدوده، اغلب مسکونی و جداره‌های اصلی دارای فعالیت‌های تجاری، خدماتی و کارگاهی است. (شکل ۲- الف). ۱۱٪ زمین‌های آزادشهر را زمین‌های بایر، ۷۵٪ ساختمان‌ها را ساختمان‌های یک طبقه و ۷۸٪ بناها قدمت بیش از ۱۶ سال (شکل ۲- ب) دارند. این ویژگی‌ها بیانگر شرایط کالبدی نسبتاً فرسوده و حضور فضاهای رهاسده است که از عوامل مؤثر در شکل‌گیری ناامنی محسوب می‌شوند.



شکل ۲: الف) کاربری وضع موجود در محدوده مورد مطالعه ب) قدمت ابنیه ساختمانها در محدوده مورد مطالعه

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت بررسی رابطه بین ساختارهای کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی با امنیت، از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری با مبنای تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌های ساختاری جداگانه استفاده شد. دلیل انتخاب روش جداگانه (به‌جای مدل کلی یکپارچه) این است که هدف پژوهش، ارزیابی قدرت نسبی هر بعد در تبیین امنیت بوده و این رویکرد، امکان مقایسه مستقل قدرت تبیین (R^2) و ضرایب مسیر را فراهم می‌کند (Kline, 2023). داده‌ها مبتنی بر نظرسنجی از ۳۶۷ ساکن شهرک آزادشهر یزد جمع‌آوری شدند.

مراحل تحلیل در سه گام برای هر بعد انجام گرفت: ۱- ارزیابی مدل اندازه‌گیری (روایی و پایایی سازه‌ها)، ۲- بررسی همبستگی‌های دو متغیره (همبستگی پیرسون)، ۳- برآورد مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها.

تحلیل بعد کالبدی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی

گام اول: مدل اندازه‌گیری بعد کالبدی

سازه «بعد کالبدی» شامل شش شاخص اصلی نورپردازی، فضاهای عمومی، اختلاط کاربری، کاربری زمین، قدمت ابنیه و نوع مسکن بود. در فرآیند تأیید مدل اندازه‌گیری، ابتدا ۱۰ سؤال برای سازه «امنیت» وارد مدل شد؛ اما سؤالات با بار عاملی پایین^۱ (A5 (بار عاملی = ۰.۲۰) و A6 (بار عاملی = ۰.۱۲)) به دلیل کاهش چشمگیر شاخص‌های پایایی، در مرحله پالایش مدل حذف گردیدند.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی (CFA) نشان داد که تمام بارهای عاملی سؤالات باقی‌مانده در محدوده ۰.۳۲ تا ۰.۹۶ قرار دارند (جدول ۶). تنها سؤال A10 (بار = ۰.۳۲) کمی پایین‌تر از آستانه رایج ۰.۴۰ است؛ با این حال، با توجه به ثبات شاخص‌های کلی پایایی پس از حذف A5 و A6، و اهمیت محتوایی این سؤال (مربوط به امنیت در تعاملات روزمره)، تصمیم به حفظ آن گرفته شد.

جدول ۶: مقادیر بار عاملی مربوط به سؤالات بعد کالبدی

سؤالات سازه و بار عاملی	سازه‌ها								
	N3	N2	N1	نورپردازی					
	۰.۶۳	۰.۷۰	۰.۷۲						
	H3	H2	H1	مسکن					
	۰.۶۸	۰.۷۴	۰.۶۲						
	F3	F2	F1	فضاهای عمومی					
	۰.۵۳	۰.۸۷	۰.۸۷						
	E4	E3	E2	E1	اختلاط کاربری				
	۰.۶۴	۰.۵۹	۰.۸۵	۰.۶۰					
	K4	K3	K2	K1	کاربری				
	۰.۹۶	۰.۹۰	۰.۹۶	۰.۴۸					
	G4	G3	G2	G1	قدمت ابنیه				
	۰.۵۲	۰.۴۶	۰.۷۶	۰.۴۶					
	A10	A9	A8	A7	A4	A3	A2	A1	امنیت
	۰.۳۲	۰.۵۲	۰.۵۰	۰.۷۴	۰.۵۱	۰.۵۸	۰.۶۶	۰.۵۱	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

پایایی سازه کالبدی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.74$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.82$ تأیید شد. شاخص‌های $AVE = 0.56$ و $CR = 0.82$ نیز نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مطلوب بودند.^۲

گام دوم: آزمون ارتباط کالبد با امنیت (پیرسون)

ماتریس همبستگی (جدول ۷) نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های کالبدی با سه بعد امنیت (روز، شب، همسایگی) رابطه مثبت و معناداری دارند ($p < 0.01$). بیشترین همبستگی متعلق به فضاهای عمومی ($r = 0.47$) با امنیت همسایگی و نورپردازی ($r = 0.41$) با امنیت روز است.

^۱ کمتر از آستانه قابل قبول ۰.۴۰

^۲ معیارهای قبولی $\alpha \geq 0.7$ ، $CR \geq 0.7$ ، $AVE \geq 0.5$ (Hair et al., 2022)

جدول ۷: ماتریس همبستگی پیرسون بین شاخص‌های بعد کالبدی و ابعاد امنیت اجتماعی

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
نورپردازی (N)	**۰,۴۱	**۰,۳۹	**۰,۳۶
فضاهای عمومی (F)	**۰,۴۶	**۰,۴۴	**۰,۴۷
اختلاط کاربری (E)	**۰,۳۴	**۰,۳۲	**۰,۳۶
کاربری زمین (K)	**۰,۳۰	**۰,۲۸	**۰,۳۳
قدمت ابنیه (G)	*۰,۲۱	*۰,۲۰	*۰,۲۳
نوع مسکن (H)	*۰,۲۴	*۰,۲۲	*۰,۲۶

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱)

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

این یافته‌ها نشان می‌دهند که بهبود کیفیت فضاهای عمومی، سیستم نورپردازی معابر و نوع مسکن می‌تواند به‌طور معناداری به ارتقای ادراک امنیت در محله کمک کند.

گام سوم: آزمون فرضیه‌ها و مدل ساختاری (فرضیه ۱: تأثیر بعد کالبدی بر امنیت)

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد کالبدی توانسته است ۲۳٪ از واریانس امنیت را تبیین کند ($R^2 = 0.23$). بر اساس معیارهای کوهن (۱۹۸۸)، این مقدار در مرز تأثیر متوسط (۰.۱۳) و قوی (۰.۲۶) قرار دارد و می‌توان آن را «متوسط - قوی» ارزیابی کرد.

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.31$

t-value = 4.21 (p < 0.001)

بنابراین، رابطه بین بعد کالبدی و امنیت از نظر آماری معنادار است. با این حال، با توجه به $R^2 = 0.23$ ، این بعد تنها بخشی از تغییرپذیری امنیت را پیش‌بینی می‌کند و سایر ابعاد (اجتماعی و نهادی) نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این رابطه دارند.

تحلیل بعد کالبدی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی

گام اول: مدل اندازه‌گیری بعد اجتماعی

سازه «بعد اجتماعی» شامل هفت شاخص اصلی تراکم جمعیتی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سبک زندگی، حس تعلق و مالکیت، سرمایه اجتماعی بود. مدل نهایی شامل ۸ سؤال برای امنیت و ۲۳ سؤال برای شاخص‌های اجتماعی بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی (CFA) نشان داد که اکثر بارهای عاملی در محدوده ۰.۴۹ تا ۰.۹۹ قرار دارند (جدول ۸). پایین‌ترین بارهای عاملی مربوط به سؤال $Mo3 = 0.49$ (مشارکت اجتماعی) است که اندکی پایین‌تر از آستانه رایج ۰.۵۰ قرار گرفته‌اند؛ با این حال، با توجه به محتوای نظری ضروری این سؤالات و ثبات شاخص‌های کلی پایایی، تصمیم به حفظ آن‌ها گرفته شد. پایایی سازه اجتماعی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.79$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.89$ تأیید شد. شاخص‌های میانگین واریانس استخراج‌شده $AVE = 0.62$ و $CR = 0.89$ نیز نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرای مطلوب بودند.

جدول ۸: مقادیر بار عاملی مربوط به سؤالات بعد اجتماعی

سؤالات سازه و بار عاملی	سازه‌ها			
	T4	T3	T2	T1
تراکم جمعیتی	۰.۸۷	۰.۶۳	۰.۷۰	۰.۷۲
	M4	M3	M2	M1
مهاجرت	۰.۷۳	۰.۸۴	۰.۸۱	۰.۶۸
	Mo4	Mo3	Mo2	
مشارکت اجتماعی	۰.۵۲	۰.۴۹	۰.۸۱	

				Ni4	Ni3	Ni2	Ni1	روابط همسایگی
				۰.۸۴	۰.۹۶	۰.۹۵	۰.۷۶	
						L2	L1	سبک زندگی
						۰.۹۵	۰.۹۹	
				P4	P3	P2	P1	حس تعلق و مالیکت
				۰.۸۲	۰.۷۹	۰.۶۰	۰.۵۱	
						S3	S2	سرمایه اجتماعی
						۰.۷۱	۰.۸۹	۰.۶۴
A10	A9	A8	A7	A4	A3	A2	A1	امنیت
۰.۳۲	۰.۵۲	۰.۵۰	۰.۷۴	۰.۵۱	۰.۵۸	۰.۶۶	۰.۵۱	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

گام دوم: آزمون ارتباط بعد اجتماعی با امنیت اجتماعی (پیرسون)

ماتریس همبستگی (جدول ۹) نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی مثبت با امنیت مربوط به روابط همسایگی ($r = 0.50$) با امنیت همسایگی)، سرمایه اجتماعی ($r = 0.46$) و حس تعلق و مالیکت ($r = 0.47$) است. در مقابل، شاخص مهاجرت رابطه منفی معناداری با همه ابعاد امنیت دارد (۰.۲۶ تا -۰.۲۹)، که نشان‌دهنده کاهش امنیت در شرایط بالای بودن نرخ مهاجرت است.

جدول ۹: ماتریس همبستگی پیرسون بین شاخص‌های بعد اجتماعی و ابعاد امنیت اجتماعی

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
تراکم جمعیتی (T)	**۰,۳۲	**۰,۳۰	**۰,۳۴
مهاجرت (M)	**۰,۲۸-	**۰,۲۶-	**۰,۲۹-
مشارکت اجتماعی (Mo)	**۰,۴۱	**۰,۳۹	**۰,۴۳
روابط همسایگی (Ni)	**۰,۴۸	**۰,۴۶	**۰,۵۰
سبک زندگی (L)	**۰,۳۶	**۰,۳۳	**۰,۳۸
حس تعلق و مالیکت (P)	**۰,۴۴	**۰,۴۱	**۰,۴۷
سرمایه اجتماعی (S)	**۰,۴۵	**۰,۴۲	**۰,۴۶

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار ($p < 0.05$)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار ($p < 0.01$)

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

این یافته‌ها نشان می‌دهند که تقویت شبکه‌های همسایگی، احساس تعلق به محل سکونت و منابع اجتماعی قابل دسترس (مانند اعتماد و همکاری) می‌تواند بیشترین تأثیر را بر ادراک امنیت داشته باشد.

گام سوم: آزمون فرضیه‌ها و مدل ساختاری (فرضیه ۲: تأثیر بعد اجتماعی بر امنیت اجتماعی)

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد اجتماعی توانسته است ۵۷٪ از واریانس امنیت را تبیین کند ($R^2 = 0.57$). بر اساس معیارهای کوهن (۱۹۸۸)، این مقدار نشان‌دهنده یک تأثیر قوی است (آستانه تأثیر قوی: $R^2 \geq 0.26$).

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.56$ و $t\text{-value} = 11.74$ ($p < 0.001$)

بنابراین، رابطه بین بعد اجتماعی و امنیت از نظر آماری بسیار معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، به‌ویژه کیفیت روابط محلی و سطح مشارکت شهروندان، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده ادراک امنیت در شهرک آزادشهر هستند.

تحلیل بعد نهادی-حکمرانی و امنیت اجتماعی

گام اول: بررسی مدل اندازه‌گیری بعد نهادی-حکمرانی

سازه «بعد نهادی-حکمرانی» شامل پنج شاخص اصلی حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت فضایی، مدیریت محله و خدمات شهری بود. مدل نهایی شامل ۸ سؤال برای امنیت و ۱۷ سؤال برای شاخص‌های نهادی-حکمرانی بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی (CFA) نشان داد که تمام بارهای عاملی در محدوده ۰.۶۲ تا ۰.۸۷ قرار دارند (جدول ۱۰). پایایی سازه نهادی-حکمرانی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.81$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.9$ تأیید شد. همچنین مقدار $AVE = 0.59$ بالاتر از ۰.۵۰ بوده و نشان‌دهنده روایی همگرا و پایایی مناسب است.

جدول ۱۰: مقادیر بار عاملی مربوط به سوالات بعد نهادی-حکمرانی

سؤالات سازه و بار عاملی				سازه‌ها				
				P2	P1	حضور پلیس		
				۰.۷۵	۰.۷۲			
				O3	O2	نظارت رسمی		
				۰.۶۸	۰.۷۰			
				J4	J3	عدالت فضایی		
				۰.۶۹	۰.۷۳			
				E4	E3	مدیریت محله		
				۰.۶۷	۰.۷۸			
				R4	R3	خدمات شهری		
				۰.۸۷	۰.۸۶			
A10	A9	A8	A7	A4	A3	A2	A1	امنیت
۰.۳۲	۰.۵۲	۰.۵۰	۰.۷۴	۰.۵۱	۰.۵۸	۰.۶۶	۰.۵۱	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

گام دوم: آزمون ارتباط بعد نهادی-حکمرانی با امنیت اجتماعی (پیرسون)

ماتریس همبستگی (جدول ۱۱) نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی مثبت با امنیت مربوط به مدیریت محله ($r = 0.41$) با امنیت همسایگی) و خدمات شهری ($r = 0.38$) است. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی نزدیک به جامعه (مانند مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری محلی و پاسخگویی سریع به نیازهای روزمره) ارتباط قوی‌تری با امنیت ادراک شده دارد تا حضور صرف نهادهای نظارتی.

جدول ۱۱: ماتریس همبستگی پیرسون بین شاخص‌های بعد نهادی-حکمرانی و ابعاد امنیت اجتماعی

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
حضور پلیس (P)	**۰,۳۴	**۰,۳۲	**۰,۳۶
نظارت رسمی (O)	**۰,۳۱	**۰,۲۹	**۰,۳۳
عدالت فضایی (J)	**۰,۲۸	**۰,۲۶	**۰,۳۰
مدیریت محله (E)	**۰,۳۹	**۰,۳۷	**۰,۴۱
خدمات شهری (R)	**۰,۳۶	**۰,۳۴	**۰,۳۸

* سطح ۰/۰۵ معنی‌دار ($p < 0.05$)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار ($p < 0.01$)

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

بیشترین همبستگی با امنیت روز، شب و همسایگی مربوط به مدیریت محله و سپس خدمات شهری است. شاخص‌های حضور پلیس و نظارت رسمی نیز اثر مثبت و معنادار دارند. این نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی محلی، خدمات‌دهی و میزان حضور نظارتی در محله نقش مهمی در ارتقای امنیت دارد.

گام سوم: آزمون فرضیه‌ها و مدل ساختاری (فرضیه ۳: تأثیر بعد نهادی-حکمرانی بر امنیت اجتماعی)

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد نهادی-حکمرانی توانسته است ۱۹٪ از واریانس امنیت را تبیین کند ($R^2 = 0.19$). بر اساس معیارهای کوهن (۱۹۸۸)، این مقدار نشان‌دهنده یک تأثیر متوسط-ضعیف است (آستانه تأثیر متوسط: $R^2 = 0.13$).

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.29$

t-value = 3.98 ($p < 0.001$)

بنابراین، رابطه بین بعد نهادی-حکمرانی و امنیت از نظر آماری معنادار است، اما قدرت تبیین آن پایین‌تر از دو بعد دیگر است. این یافته نشان می‌دهد که اگرچه حضور نهادی و کیفیت خدمات نقشی دارد، اما به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت را تضمین کند و اثربخشی آن شدیداً به حضور پایه‌های اجتماعی و کالبدی مناسب وابسته است. تقویت سازوکارهای مدیریت محله، بهبود خدمات شهری و افزایش نظارت می‌تواند به ارتقای امنیت در محله کمک کند.

مقایسه اثر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر امنیت اجتماعی

در مرحله نهایی تحلیل، اثر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر سازه «امنیت» مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان داد که تمامی مسیرها از نظر آماری معنادار هستند ($p < 0.001$)، اما شدت اثرگذاری آن‌ها متفاوت است. بر اساس ضرایب مسیر استاندارد مدل‌های جداگانه:

• بعد اجتماعی قوی‌ترین اثر را داشته است ($\beta = 0.56$, $t = 11.74$).

• بعد کالبدی در رتبه دوم قرار دارد ($\beta = 0.31$, $t = 4.21$).

• و بعد نهادی-حکمرانی با $\beta = 0.29$ و $t = 3.98$ ، کمترین تأثیر مستقیم را دارد.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که امنیت در شهرک آزادشهر بیش از هر چیز، وابسته به کیفیت روابط اجتماعی محلی است. شاخص‌هایی مانند روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی و حس تعلق به محل سکونت، بیشترین سهم را در شکل‌گیری ادراک امنیت دارند. در مقابل، ابعاد کالبدی (مانند کیفیت فضاهای عمومی و نورپردازی) و نهادی-حکمرانی (مانند مدیریت محله و خدمات شهری) نقش‌های مکمل و تسهیل‌گر ایفا می‌کنند: آن‌ها به‌تنهایی تبیین‌کننده محدودی دارند، اما در کنار پایه اجتماعی قوی، اثربخشی بیشتری پیدا می‌کنند.

در مدل یکپارچه تخمینی (که بر اساس همبستگی‌های مشاهده‌شده و با در نظر گرفتن هم‌پوشانی بین ابعاد تدوین شد)، این سه بعد با هم توانسته‌اند ۶۳٪ از واریانس امنیت را تبیین کنند ($R^2 = 0.63$) (جدول ۱۳). این مقدار نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل است ($R^2 \geq 0.26$: Cohen, 1988 = تأثیر قوی).

جدول ۱۳: خلاصه شاخص‌های برازش و تأثیر سه بعد بر امنیت اجتماعی

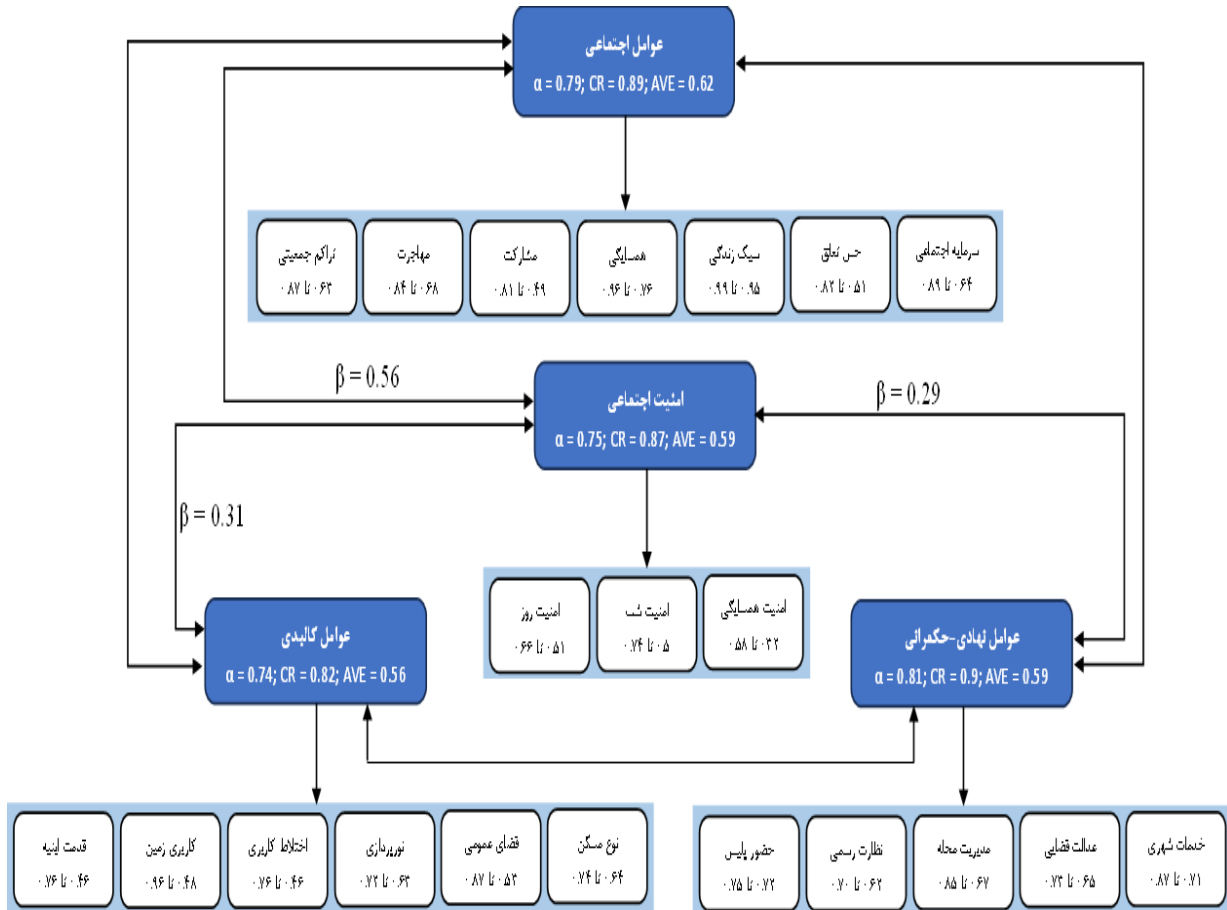
بعد	α	CR	AVE	R^2	β	t-value	قدرت اثر
کالبدی	۰٫۷۴	۰٫۸۲	۰٫۵۶	۰٫۲۳	۰٫۳۱	۴٫۲۱	متوسط-قوی
اجتماعی	۰٫۷۹	۰٫۸۹	۰٫۶۲	۰٫۵۷	۰٫۵۶	۱۱٫۷۴	قوی
نهادی-حکمرانی	۰٫۸۱	۰٫۹۰	۰٫۵۹	۰٫۱۹	۰٫۲۹	۳٫۹۸	متوسط-ضعیف

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

در این مدل (شکل ۴)، سهم نسبی ابعاد به شرح زیر است:

• بعد اجتماعی: سهم مستقل $\approx ۴۸٪$ از واریانس ($\beta = 0.48$).

- بعد کالبدی: سهم مستقل $\approx 22\%$ ($\beta = 0.22$).
 - و بعد نهادی-حکمرانی: سهم مستقل $\approx 18\%$ ($\beta = 0.18$).
- به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش تأکید می‌کنند که امنیت محله، پیش از آنکه صرفاً یک مسئله کالبدی یا نظارتی باشد، یک پدیده اجتماعی-ادراکی است که از طریق انسجام محلی، اعتماد متقابل، مشارکت و نظارت غیررسمی (نظارت طبیعی) شکل می‌گیرد. از این رو، تقویت ظرفیت‌های اجتماعی محله از جمله حمایت از تشکل‌های مردمی، تسهیل فضاهای تعامل اجتماعی و تقویت حس مالکیت جمعی می‌تواند اثربخش‌ترین راهبرد در بهبود امنیت شهری در آزادشهر باشد.



شکل ۴: مدل نهایی مفهومی و ساختاری روابط میان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی با امنیت اجتماعی

بحث و تحلیل نتایج

یافته‌های این پژوهش تصویر جامعی از سازوکارهای اثرگذار بر امنیت اجتماعی در شهرک آزادشهر یزد ارائه می‌دهد. تحلیل مدل ساختاری نشان می‌دهد که هر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی به‌صورت معنادار بر امنیت تأثیر می‌گذارند، اما شدت، کیفیت و الگوی اثرگذاری این سه بعد یکسان نیست. این تفاوت‌ها بیانگر آن است که امنیت شهری پدیده‌ای چندلایه است و برنامه‌ریزی برای ارتقای آن باید بر اساس اولویت‌های تجربی، ترکیبی از مداخلات کالبدی، اجتماعی و حکمرانی باشد.

بعد کالبدی: نقش بستر ساز با اثری متوسط و غیر تعیین کننده

نتایج مدل ساختاری نشان داد که بعد کالبدی با ضریب مسیر 0.31 و مقدار معناداری 4.21 اثر معناداری بر امنیت دارد، هرچند شدت این اثر متوسط است. این یافته حاکی از آن است که کیفیت محیط فیزیکی، اگرچه نقش مهمی در کاهش فرصت‌های ارتکاب رفتارهای ضد اجتماعی دارد، اما نمی‌تواند به‌تنهایی منشأ امنیت پایدار باشد.

مؤلفه‌هایی همچون نورپردازی معابر، کیفیت فضاهای عمومی، اختلاط کاربری و خوانایی محیط مطابق نظریه فضای قابل دفاع نیومن (۱۹۷۲) و اصول CPTED در آزادشهر نیز بالاترین بارهای عاملی را کسب کرده و بیشترین همبستگی را با شاخص‌های امنیت داشته‌اند. با این حال، ضعف کالبدی در مواردی مانند فرسودگی ابنیه، یک‌طبقه بودن گسترده واحدها، زمین‌های بایر و افت کیفیت جداره‌ها، بیشتر نقش تشدیدکننده دارند تا تعیین‌کننده؛ به‌گونه‌ای که این متغیرها تنها هنگامی اثرگذار می‌شوند که با روابط اجتماعی قوی و بسترهای نهادی کارآمد همراه باشند.

این نتایج با پژوهش‌های حاتمی و ذاکر حقیقی (۱۳۹۹) و اجاق‌زاده محمدی (۱۳۹۶) نیز همخوان است و تأکید می‌کند که اثرگذاری کالبد مشروط به نحوه بهره‌برداری اجتماعی از فضاست. بنابراین، سیاستگذاری صرفاً کالبدی (نورپردازی، دوربین، کف‌سازی، اصلاح کاربری‌ها) بدون مداخلات اجتماعی و نهادی، نمی‌تواند به خلق امنیت پایدار بینجامد.

بعد اجتماعی: قوی‌ترین، مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل امنیت اجتماعی

مهم‌ترین یافته پژوهش، تأثیر بسیار قوی بعد اجتماعی بر امنیت بود. ضریب مسیر ۰.۵۶ و مقدار معناداری ۱۱.۷۴ قوی‌ترین اثر را بر امنیت دارد؛ به‌طوری‌که تأثیر آن چند برابر دو بعد دیگر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی (Amiri & Afrand, 2015; Foroughi Abri & Talaei, 2013; Lee et al., 2023; Hou et al., 2025) همسو است که امنیت شهری را بیشتر محصول سرمایه اجتماعی، نظم جمعی و تعاملات اجتماعی می‌دانند تا ویژگی‌های کالبدی.

در آزادشهر، مؤلفه‌هایی همچون مهاجرت، سبک زندگی، مشارکت اجتماعی و روابط همسایگی بیشترین بار عاملی و بیشترین نقش را در تبیین امنیت داشتند. مهاجرت‌های گسترده و ناهمگونی فرهنگی، کاهش انسجام همسایگی، مالک‌نبودن بخش قابل توجهی از ساکنان، جابه‌جایی مکرر خانوارها و ضعف شبکه‌های اجتماعی محلی را به‌دنبال داشته و در نتیجه، احساس ناامنی را تقویت کرده است.

برجسته‌ترین یافته این بعد، بار عاملی تقریباً کامل مؤلفه سبک زندگی (~۱) است که نشان می‌دهد شیوه زیست اجتماعی، هنجارهای رفتاری و الگوهای تعامل روزمره، هسته اصلی شکل‌دهنده امنیت هستند. اختلافات هویتی و فرهنگی، تضعیف حس تعلق محله‌ای و نبود پیوستگی اجتماعی، از جنس تهدیدهای ساختاری‌اند که حتی بهترین مداخلات کالبدی نیز بدون تقویت زمینه‌های اجتماعی، قادر به رفع آنها نیستند. این نتیجه با نظریه «نظم جمعی» سامپسون و دیدگاه پوتنام درباره سرمایه اجتماعی مطابقت دارد؛ به‌این معنا که مکان‌هایی با روابط اجتماعی قوی‌تر، خودتنظیمی اجتماعی بیشتری دارند و بروز رفتارهای ناامن در آنها به‌طور طبیعی کنترل می‌شود.

بعد نهادی-حکمرانی: نقش تنظیم‌گر، پشتیبان و تسهیل‌کننده

یافته‌های مدل ساختاری نشان داد که بعد نهادی-حکمرانی نیز اثر معناداری بر امنیت دارد ($\beta = 0.29$). هرچند این اثر به‌اندازه بعد اجتماعی قوی نیست، اما نقش آن کاملاً پشتیبان و ضروری است. در این بعد، شاخص‌های خدمات شهری، مدیریت محله و نظارت رسمی بیشترین بارهای عاملی را داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت ارائه خدمات شهری، حضور مؤثر مدیریت محله، هماهنگی نهادی و نظارت رسمی نقش مهمی در تنظیم رفتارهای اجتماعی و کاهش زمینه‌های ناهنجاری دارند.

در آزادشهر، ضعف نظارت رسمی، نبود سازوکارهای مدیریت محله‌محور، عدم عدالت در توزیع خدمات و کمبود حضور پلیس در بافت‌های فرسوده از عواملی بوده‌اند که سبب شده است که ظرفیت‌های اجتماعی بالفعل نشوند و حتی محیط کالبدی نیز کارکرد مطلوب خود را از دست بدهد. به‌عبارت دیگر، ظرفیت‌های اجتماعی زمانی کارآمد می‌شوند که حکمرانی محلی بتواند آن‌ها را پشتیبانی و سازماندهی کند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام حکمرانی محله نقش «تنظیم‌گر» دارد. اگر خدمات مناسب نباشد، اگر مدیریت محله رها باشد و اگر نظارت رسمی ضعیف باشد، حتی روابط اجتماعی قوی نیز نمی‌توانند امنیت را تضمین کنند. بنابراین بعد نهادی-حکمرانی به‌عنوان ستون پشتیبان دو بعد دیگر عمل می‌کند و بدون آن امنیت پایدار شکل نخواهد گرفت.

ترکیب سه بعد و سازوکار نهایی

جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که امنیت در شهرک آزادشهر حاصل تعامل سه‌بعدی و چندلایه است:

۱. بعد کالبدی: نقش بستر و زمینه‌ساز: کیفیت فضاهای عمومی، نورپردازی و خوانایی محیط شرایط اولیه را برای نظارت طبیعی و حضورپذیری فراهم می‌کند.
۲. بعد اجتماعی: قوی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل شکل‌دهی امنیت: مشارکت، سرمایه اجتماعی، حس تعلق و روابط همسایگی کانال اصلی تحقق امنیت هستند.
۳. بعد نهادی-حکمرانی: نقش تنظیم‌کننده و تثبیت‌کننده: خدمات شهری، مدیریت محله و نظارت رسمی عملکرد دو بعد دیگر را هماهنگ و پایدار می‌کنند.

به عبارت دیگر امنیت حاصل جمع مکان + کنش اجتماعی + حکمرانی است.

این یافته دستاورد مهمی برای برنامه‌ریزی شهری است، زیرا نشان می‌دهد چنانچه یکی از این سه مؤلفه به خوبی عمل نکند، اثر دو مؤلفه دیگر کاهش می‌یابد. مهم‌تر آنکه مداخلات کالبدی بدون مداخلات اجتماعی و نهادی اثر کوتاه‌مدت دارند، اما مداخلات اجتماعی و یا نهادی-حکمرانی حتی در کالبد ضعیف نیز ظرفیت تولید امنیت پایدار دارند.

این یافته، جهت‌گیری اصلی سیاستگذاری برای شهرک آزادشهر را روشن می‌کند: تقویت شبکه‌های اجتماعی محلی، حکمرانی محله‌محور و بهبود تدریجی کالبد، مسیر اصلی ارتقای امنیت پایدار است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که امنیت در شهرک آزادشهر یزد یک مفهوم چندبعدی است که از تعامل عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی شکل می‌گیرد. تحلیل مدل ساختاری نشان داد که هر سه بعد بر امنیت تأثیرگذارند، اما شدت اثر آن‌ها متفاوت است و بعد اجتماعی نقش اصلی را ایفا می‌کند (Amerian, 2024; رضائی و همکاران، ۱۴۰۳).

از دیدگاه کالبدی، یافته‌ها با رویکرد کلاسیک امنیت محیطی، از جمله نظریه «چشم‌های طبیعی بر خیابان» جین جیکوبز (۱۹۶۱) و نظریه فضای قابل دفاع نیومن (۱۹۷۲) همسو است. این نظریات تأکید می‌کنند که کیفیت محیط فیزیکی، شامل نورپردازی، نفوذپذیری، اختلاط کاربری و حضورپذیری، می‌تواند احتمال وقوع جرم را کاهش دهد و احساس امنیت را افزایش دهد. یافته‌های ما نشان داد که مؤلفه‌های کالبدی مانند نورپردازی معابر، کیفیت فضاهای عمومی و وضعیت ابنیه اثر مثبت اما متوسط بر امنیت دارند (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۹؛ احمدی و مهرجو، ۱۳۹۹؛ حسینی و کاملی، ۱۳۹۶؛ صیاد بیدهندی و همکاران، ۱۳۹۶). این امر نشان می‌دهد که محیط کالبدی نقش حمایتی و زمینه‌ای دارد، اما به تنهایی تعیین‌کننده امنیت نیست (Askari & Soltani, 2023; Chalfin et al., 2022; Cozens & Love, 2015).

بعد اجتماعی بیشترین اثر را بر امنیت محله دارد. یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌هایی مانند مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی و حس تعلق، هسته اصلی تبیین امنیت هستند و اثر آن‌ها بسیار قوی‌تر از اثر کالبدی است (Putnam, 2000; Sampson et al., 1997; Zulkhairi & Yusof, 2023; بیات، ۱۳۹۶؛ گلابی و زارع‌زاده، ۱۳۹۳). نتایج همچنین نشان می‌دهد که شاخص مهاجرت و ناهمگونی فرهنگی اثر منفی و معناداری بر امنیت دارند، که با یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی در حوزه ناهمگونی اجتماعی و امنیت همسو است (جعفرلو، ۱۳۹۷؛ مجتبابی و همکاران، ۱۳۹۹؛ Bell et al., 2013; Hou et al., 2025). این یافته‌ها تأکید می‌کند که حتی در محیط‌های کالبدی مناسب، ضعف سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی می‌تواند حس ناامنی را تقویت کند (Lee et al., 2023; Kim & Park, 2022; Qi et al., 2024).

بعد نهادی-حکمرانی نیز نقش تکمیل‌کننده دارد و اثر آن بر امنیت قابل توجه است. شاخص‌هایی مانند مدیریت محله، نظارت رسمی، ارائه خدمات شهری و سیاست‌های مشارکت‌محور، عملکرد بعد اجتماعی و کالبدی را تثبیت می‌کنند. این یافته‌ها با پژوهش‌های سكاتو و برانتینگهام^۱ (۲۰۲۴) و مطالعات داخلی مانند رضائی و همکاران (۱۴۰۳) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که

^۱ Ceccato & Brantingham

بدون حمایت نهادی-حکمرانی، اثرات اجتماعی و کالبدی بر امنیت محدود می‌شود (Farrington & Welsh, 2007; Bennett et al., 2009; پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور خلاصه، یافته‌ها را می‌توان در سه سطح نظری تفسیر کرد:

سطح کالبدی: محیط فیزیکی اثر حمایتی دارد و کیفیت نور، وضعیت فضاهای عمومی و طراحی فیزیکی، بستر لازم برای امنیت را فراهم می‌کند (Cozens, 2016; Jacobs, 1961; Newman, 1972; حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۹؛ حسینی و کاملی، ۱۳۹۶؛ جلالیان و همکاران، ۱۴۰۱).

سطح اجتماعی: سرمایه اجتماعی، مشارکت، روابط همسایگی و حس تعلق، هسته اصلی امنیت محله را تشکیل می‌دهند و بیشترین تأثیر را بر ایجاد نظم و کاهش جرم دارند (Amerian, 2024; Zulkhairi Putnam, 2000; Sampson et al., 1997; Yusof, 2023; & قربی و همکاران، ۱۳۹۸).

سطح نهادی-حکمرانی: مدیریت محلی، خدمات شهری و نظارت رسمی نقش تنظیم‌کننده و تثبیت‌کننده اثر دو بعد دیگر را دارند و عملکرد جامعه و محیط را هماهنگ می‌کنند (Ceccato & Brantingham, 2024; Farrington & Welsh, 2007; رضائی و همکاران، ۱۴۰۳).

بنابراین، امنیت در شهرک آزادشهر بیش از آنکه محصول محیط کالبدی باشد، نتیجه کیفیت روابط اجتماعی و ساختارهای نهادی-حکمرانی است. محیط کالبدی نقش زمینه‌ای و حمایتی دارد، اما عامل تعیین‌کننده، توانایی جامعه محلی در تولید نظم، اعتماد و کنترل اجتماعی است. این یافته‌ها چارچوب نظری پژوهش حاضر را در هماهنگی با رویکردهای کلاسیک و نوین امنیت شهری تثبیت می‌کند (Kim & Park, 2022; Askari & Soltani, 2023; Hou et al., 2025; رضائی و همکاران، ۱۴۰۳؛ احمدی و مهرجو، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی داده‌ها آشکار می‌سازد که امنیت در بخش انتخابی شهرک آزادشهر نتیجه هم‌افزایی عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی است، در حالی که سهم هر بعد در ایجاد امنیت اجتماعی متفاوت می‌باشد.

نخست، نتایج توصیفی و تحلیلی مربوط به بعد کالبدی آشکار ساخت که وضعیت فیزیکی محله شامل فرسودگی ابنیه، غلبه بافت کم‌تراکم، وجود فضاهای رهاشده، ضعف روشنایی شبانه و محدودیت در نظارت طبیعی، شرایطی فراهم کرده است که می‌تواند احساس ناامنی را تشدید کند. این ویژگی‌ها هرچند زمینه‌ساز ناامنی‌اند، اما بر اساس مدل ساختاری، اثر کالبدی بر امنیت در حد متوسط بوده و قادر به تبیین کامل ناامنی نیست. بنابراین، محیط فیزیکی در آزادشهر بیشتر نقش «بستر» دارد؛ بستری که می‌تواند امنیت را تسهیل یا تضعیف کند، اما به‌تنهایی محرک اصلی تغییر در امنیت محله نیست.

در مقابل، بعد اجتماعی قدرتمندترین عامل اثرگذار بر امنیت در مدل نهایی پژوهش بود. ضریب مسیر بسیار بالای این بعد نشان داد که امنیت محلی در آزادشهر بیش از هر چیز تحت تأثیر کیفیت روابط اجتماعی، هویت محله‌ای، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و الگوهای مشارکت جمعی ساکنان قرار دارد. پیامدهای مهاجرت، ناهمگونی فرهنگی، جابه‌جایی مداوم جمعیت و تضعیف روابط همسایگی، ساختار اجتماعی محله را شکننده کرده و این شکنندگی مستقیماً احساس و واقعیت ناامنی را افزایش داده است. بر این اساس، امنیت در آزادشهر بیش از آنکه مسئله‌ای کالبدی باشد، مسئله‌ای اجتماعی است.

بعد نهادی - حکمروایی نیز نقشی تکمیل‌کننده و پشتیبان در شکل‌دهی امنیت اجتماعی دارد. شاخص‌هایی مانند کیفیت خدمات شهری، مدیریت محله، حضور پلیس و نظارت رسمی نشان دادند که نحوه عملکرد نظام حکمرانی می‌تواند آثار کالبدی و اجتماعی را تقویت یا تضعیف کند. ضعف در مدیریت محله، کمبود نظارت رسمی و ناکارآمدی ارائه خدمات سبب شده ظرفیت‌های موجود در دو بعد دیگر به‌طور کامل فعال نشود. بنابراین، حکمروایی محلی در آزادشهر نقش یک «تنظیم‌گر» را ایفا می‌کند که انسجام اجتماعی و کیفیت محیط را در یک مسیر هماهنگ قرار می‌دهد.

در یک جمع‌بندی کلی، پژوهش حاضر سه نتیجه بنیادین را روشن می‌سازد:

(۱) کالبد، بستر امنیت است؛ نه موتور امنیت. بدون بهبود فیزیکی مانند روشنایی، ارتقای فضاهای عمومی، مدیریت زمین‌های رهاشده امکان شکل‌گیری احساس امنیت پایدار محدود می‌شود، اما این اقدامات به تنهایی کافی نیستند.

(۲) بعد اجتماعی هسته اصلی امنیت است. روابط همسایگی، مشارکت، حس تعلق، سرمایه اجتماعی و الگوهای زیست‌جمعی، قوی‌ترین نقش را در کاهش یا افزایش ناامنی دارند و هرگونه مداخله کالبدی بدون توجه به این مؤلفه‌ها، اثربخشی کوتاه‌مدت خواهد داشت.

(۳) امنیت پایدار حاصل هم‌افزایی سه بعد است. سیاست‌های کالبدی زمانی موثرند که همزمان با تقویت سرمایه اجتماعی و پشتیبانی نهادی اجرا شوند. حکمروایی محله‌محور از طریق نظارت رسمی، مدیریت محلی و عدالت در خدمات شرط لازم برای فعال‌شدن ظرفیت‌های اجتماعی و کالبدی است.

بر این اساس، امنیت پایدار در شهرک آزادشهر زمانی محقق می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها در سه جهت انجام شوند: (۱) ارتقای کالبدی هدفمند، (۲) توانمندسازی اجتماعی و تقویت انسجام جمعی، (۳) تقویت حکمروایی و مدیریت محله‌محور.

در مجموع، یافته‌های پژوهش تصریح می‌کنند که امنیت در محلاتی مانند آزادشهر بیش از هر چیز محصول روابط اجتماعی و کیفیت تعاملات انسانی است، در حالی که کالبد و حکمروایی نقش تقویت‌کننده و تنظیم‌کننده دارند. به همین دلیل، برنامه‌ریزی امنیت شهری باید با اولویت‌بخشی به سیاست‌های اجتماعی و نهادی، و همزمان با مداخلات هوشمند کالبدی پیش برود تا بتواند به امنیتی پایدار، مشارکتی و جامعه‌محور دست یابد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله به شکل توضیح داده شده از سوی مجله، مورد تأیید نویسندگان این مقاله است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر فاقد حمایت مالی است.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در مراحل مختلف نوشتن این مقاله با نظرات خود ما را یاری دادند سپاسگزاری می‌کنیم.

References

- Abbaszadegan, M., Firoozian, M., & Rouhani Shahraki, M. (2016). Measuring urban security in Farahzad neighborhood of Tehran using factor analysis. *Warm and Dry Architecture*, 4(4). (In Persian)
- Abbaszadeh, M. and Parvin, R. (2024). Analysis of indices susceptible to the CPTED approach in urban spaces (case study: lands east of the historical Bazaar of Urmia). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 5(3), 98-112. (In Persian)
- Abdollahi, A., mafi, E. & Vatanparast, M. (2023). Measuring the development levels of urban neighborhoods based on having creative city indicators (Case study: district one of Mashhad metropolis). *Geography and Urban Space Development*. In press. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2024.83284.1327> [In Persian].
- Ahmadi, H. and Mehrjou, M. (2020). Investigating the Effect of Environmental Quality Components on Citizens' Sense of Security (Case of Central Sidewalk of Hamedan

- City). *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 5(12), 105-135. doi: 10.22054/urdp.2021.59874.1308, (In Persian)
- Amelhelali, B., Saeideh Zarabadi, Z.S., Dolatabadi, F. (2019). Exploring the foundations of creating a creative city in areas of Neyshabur city. *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, 10(38), pp. 123-132. [20.1001.1.22285229.1398.10.38.11.7](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1398.10.38.11.7) [In Persian].
- Amerian, M. (2024). Identifying the impact of social capital on quality of urban life (evidence from Iran). *Social Indicators Research*, 171(3), 921-936.
- Amini, D., Marsousi, N. & Lotfi, A. (2021). Assessment and ranking of creative city planning in 22 districts of Tehran metropolis, *Scientific Journal of Physical Development Planning*, 6(3(New Series)), pp. 150-177. [20.1001.1.26455471.1400.8.3.8.6](https://doi.org/10.1001.1.26455471.1400.8.3.8.6) [In Persian].
- Andersen, H. S. (2019). *Urban sores: On the interaction between segregation, urban decay and deprived neighbourhoods*. Routledge.
- Andresen, M. A., Jenion, G. W., & Reid, A. A. (2012). An evaluation of ambient population estimates for use in crime analysis. *Crime Mapping: A Journal of Research and Practice*, 4(1), 7-30.
- Askari, A. H., & Soltani, S. (2023). CPTED Principles and Preventing Crimes: The Cases from Shiraz City, Iran. *Journal of Design and Built Environment*, 23(2), 1-13.
- Ayadeh pur, H., Salehi, A. and Fetili, S. (2023). Investigating the Relationship between Population Density and Criminology in Ahvaz. (e160279). *Fares Law Research*, 5(13), e160279 doi: 10.22034/lc.2023.160279. (In Persian)
- Azizi, M. M. and Shabanjoola, E. (2015). Evaluation of old city's neighborhoods in response to the sense of safety (A case study of Qazvin, Malek abad. *Human Geography Research*, 46(4), 791-808. doi: 10.22059/jhgr.2015.51240. (In Persian)
- Batabyal, A., & Beladi, H. (2016). The Effects of Probabilistic Innovations on Schumpeterian Economic Growth in a Creative Region. *Economic Modelling*, 53, 224–230. [DOI: 10.1016/j.econmod.2015.11.026](https://doi.org/10.1016/j.econmod.2015.11.026)
- Bayat, B. (2017). An Analysis of the Relationship between Urban Space and Feeling Socially Secured in Tehran. *Social Studies and Research in Iran*, 6(2), 329-350. doi: 10.22059/jisir.2017.223095.467, (In Persian)
- Behzadpour, M., & Saroukhani, S. (2020). Examining crime prevention through environmental design (CPTED). *Memarshenasy*, 3(17). (In Persian)
- Bell, B., Fasani, F., & Machin, S. (2013). Crime and immigration: Evidence from large immigrant waves. *Review of Economics and statistics*, 95(4), 1278-1290.
- Bennett, T., Holloway, K., & Farrington, D. P. (2009). A review of the effectiveness of neighbourhood watch. *Security Journal*, 22(2), 143-155.
- Buzan, B. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner.
- Cairns, N., Moir, E., Prenzler, T., & Rayment-McHugh, S. (2025). A CPTED audit tool to assess crime and safety in town centres. *Safer Communities*.
- Ceccato, V., & Brantingham, P. (2024). What is the role of architects and urban planners in crime prevention? *Security Journal*, 37(3), 489-514.
- Chalfin, A., Hansen, B., Lerner, J., & Parker, L. (2022). Reducing crime through environmental design: Evidence from a randomized experiment of street lighting in New York City. *Journal of Quantitative Criminology*, 38(1), 127-157.
- Changizi, B. (2025). A Study on the Sense of Security in the Old and New Urban Fabric of Chelleh Khaneh Neighborhood, Rasht. *Architectural Dimensions and Beyond*, 2(3), 230-241.
- Chataway, M., & Bourke, A. (2020). Fear of crime, disorder, and quality of life. In *Geographies of behavioural health, crime, and disorder: The intersection of social problems and place* (pp. 137-163). Cham: Springer International Publishing.

- Choi, W., Na, J., & Lee, S. (2024). Evaluating intelligent CPTED systems to support crime prevention decision-making in municipal control centers.
- Clancey, G. (2015). Think crime! Using evidence, theory and crime prevention through environmental design (CPTED) for planning safer cities. *Crime Prevention and Community Safety*, 17(1), 67-69.
- Cole, S. J. (2019). Social and Physical Neighbourhood Effects and Crime: Bringing Domains Together Through Collective Efficacy Theory. *Social Sciences*, 8(5), 147. <https://doi.org/10.3390/socsci8050147>
- Cooke, P., & Lazeretti, L. (2008). *Creative Cities, Cultural Clusters and Local Economic Development*, Cheltenham. UK; Northampton, MA: Edward Elgar. DOI: [10.1016/j.econmod.2015.11.026](https://doi.org/10.1016/j.econmod.2015.11.026)
- Costa, P., Magalhães, M., Vasconcelos, B., & Sugahara, G. (2007). A discussion on the governance of 'Creative Cities': Some insights for policy action. *Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian Journal of Geography*, 61(3), 122-132. <https://doi.org/10.1080/00291950701553905>
- Cozens, P. 2016. *Think Crime! Using Evidence, Theory and Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) for Planning Safer Cities*. Perth: Praxis Education.
- Cozens, P., & Davern, B. (2025). Exploring Land Use, Crime and Perceptions of Crime in a Retail Setting: Implications for Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED).
- Cozens, P., & Love, T. (2015). A review and current status of crime prevention through environmental design (CPTED). *Journal of planning literature*, 30(4), 393-412.
- Cozens, P., & Love, T. (2017). The dark side of crime prevention through environmental design (CPTED). In *Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*.
- Cozens, P., & Stoks, F. (2025). Crime prevention in the city: a current status and new directions for Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED). In *Handbook on Cities and Crime* (pp. 397-413). Edward Elgar Publishing.
- Cozens, P., Babb, C., & Stefani, D. (2022). Exploring and developing crime prevention through environmental design (CPTED) audits: An iterative process. *Crime Prevention and Community Safety*, 25(1), 1.
- Crowe, T., & Fennelly, L. J. (2013). *Crime prevention through environmental design*. Elsevier.
- Dane, G., Leeuw, S., Kasraian, D., & Borgers, A. (2022). The Influence of Built Environment Characteristics on the Occurrence of Crime in Neighbourhoods of Amsterdam: A Geographically Weighted Regression Analysis. In *Mobility, Knowledge and Innovation Hubs in Urban and Regional Development. Proceedings of REAL CORP 2022, 27th International Conference on Urban Development, Regional Planning and Information Society* (pp. 805-819). CORP-Competence Center of Urban and Regional Planning.
- Darchen, S. & Simon, G. (2022). Transitory urbanism' for the creative industries in a top-down regeneration process (Nantes, France). *European Planning Studies*. 30 (10), 1-18. [10.1080/09654313.2021.2024149](https://doi.org/10.1080/09654313.2021.2024149).
- Davies, T. P., & Bishop, S. R. (2013). Modelling patterns of burglary on street networks. *Crime Science*, 2(1), 10.
- Davies, T., & Bowers, K. J. (2018). Street Networks and Crime. In G. J. N. Bruinsma & S. D. Johnson (Eds.), *Oxford Handbooks Online*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190279707.013.15>
- De Nadai, M., Xu, Y., Letouzé, E., González, M. C., & Lepri, B. (2020). Socio-economic, built environment, and mobility conditions associated with crime: a study of multiple cities. *Scientific reports*, 10(1), 13871.
- Delangizan, S., Dehghanshabani, Z., Khanzadi, A. & Zabihidan, M.S. (2017). Determining the Indicators of Creative City and Rankings of Iranian Metropolises Based on Creative City

- Criteria: An Application of Modified TOPSIS Method. *Urban Economics*, 3(1), pp. 24-1. [10.22108/ue.2018.107566.1036](https://doi.org/10.22108/ue.2018.107566.1036) [In Persian].
- Doroudi, M. (2017). Assessment and Evaluation of Factors Contributing to Level of Societal Security Feeling in Residential Areas (Case Study: West Tehranpars), *Societal Security Studies*, 8(2), 102-133. (In Persian)
- Doroudi, M. (2017). Measuring and evaluating factors affecting the improvement of security in residential environments: A case study of West Tehranpars neighborhood. *Scientific-Research Quarterly of Social Security Studies*, 50, (In Persian)
- Duncan, T. E., Duncan, S. C., Okut, H., Strycker, L. A., & Hix-Small, H. (2003). A multilevel contextual model of neighborhood collective efficacy. *American journal of community psychology*, 32(3-4), 245-252.
- Dwijendra, N. K. A., Akhmadeev, R., Tumanov, D., Kosov, M., Shoar, S., & Banaitis, A. (2021). Modeling Social Impacts of High-Rise Residential Buildings during the Post-Occupancy Phase Using DEMATEL Method: A Case Study. *Buildings*, 11(11), 504. <https://doi.org/10.3390/buildings11110504>
- Esmailpour, M. and Gholamalizadeh, H. (2021). The role of security in improving the vitality of residential environments, a case study: Taqvi and Bagheri's house in Gorgan. *Journal of engineering and construction management*, 6(2), 1-8. (In Persian)
- Farrington, D. P., & Welsh, B. C. (2007). *Improved street lighting and crime prevention: A systematic review*. Stockholm, Sweden: National Council for Crime Prevention.
- Fennelly, L., & Perry, M. (2018). *CPTED and traditional security countermeasures: 150 things you should know*. CRC press.
- Fleissner, D., & Heinzelmann, F. (1996). *Crime prevention through environmental design and community policing*. US Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice.
- Florida, R. (2005). *Cities and the Creative Class*. London, UK: Routledge.
- Forrest, R., & Kearns, A. (2001). Social cohesion, social capital and the neighbourhood. *Urban Studies*, 38(12), 2125–2143.
- Fotouhi Mehrabani, B, Kalantari, M., Rajaei, A. (2016). Analysis of Iran Metropolises in Terms of Possessing Indices of Creative City. *Quarterly Journal of Geography and Urban Planning*, 14(51), pp. 101-1178. [10.22059/jurbangeo.2016.62197](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.62197) [In Persian].
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: Using public space* (6th ed.). Island Press
- Ghaffari A, Marjan Nematimehr M, Abdi S. (2013). Evolution of Crime Prevention through Environmental Design. *JHRE*. 32(144), 3-16. URL: <http://jhre.ir/article-1-554-fa.html>. (In Persian)
- Ghasemi, K., Dolatkahi, K., Farahani, H. F., & Fallahi, M. (2025). From Planning to Perception: A Study of Urban Security in New Towns Using Machine Learning, Spatial Clustering, and Lived Experiences. *Environmental and Sustainability Indicators*, 101035.
- gheshlaghpoor, S. and Babakhani, M. (2021). Analysis of Crime Prevention Factors through Environmental Design (CPTED) in Mehr Housing, Case Study: Mehr Housing of Nazarabad City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 14(36), 161-175. doi: 10.22034/aud.2021.222768.2152. (In Persian)
- Ghorbanloo, H., masoumi, M. and yazdani, M. (2024). Analysis of factors affecting the deterioration of the fabric of the 20th district of Tehran, in reducing the social and economic values of public spaces in the district. *Geographical Engineering of Territory*, 8(3), 105-122. doi: 10.22034/jget.2023.367256.1457. (In Persian)
- Ghorbi, M., Naghavi, M., & Mohammadi, H. (2020). The Effect of the Built Environment on Social Capital and Social Sustainability in Historical Context (Case Study: Linked Neighborhood to Bazar in Kerman Historical Fabric). *Urban Structure and Function Studies*, 6(21), 59-84. (In Persian)

- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Gill, C., Weisburd, D., & McPherson, M. K. (2024). Beyond the police: Community-led partnerships for meaningful crime prevention and social justice. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 714(1), 150-168.
- Golabi, M., & Zare-Zadeh, R. (2014). The role of social capital in the perception of neighborhood security. *Iranian Journal of Urban Planning and City Planning*, 15 (3), 45–63. (In Persian)
- Grodach, Car. (2017). Urban cultural policy and creative city making. *Cities*, 68, 82-91. DOI:[10.1016/j.cities.2017.05.015](https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.05.015)
- Habibi, M. & Ahmadi dehrashid, A. (2020). Analyzing the Strategic Planning of Sanandaj City with the Creative City Approach. *Research in the Geography of Urban Planning*, 8(4), pp. 789-812. [10.22059/jurbangeo.2020.302971.1291](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.302971.1291) [In Persian].
- Hartley, J., Potts, J., MacDonalds, T., Erkunt, C., & Kufleitner, C. (2012). CCI Creative City Index 2012 final report. ARC Centre of Excellence for Creative Industries and Innovation, Queensland. <https://sciencdo.com/article/10.5334/csci.41>
- Hashemi dizaj, A. & mohammadi, Ch. (2023). Measuring and evaluating the economic resilience of urban neighborhoods against earthquake risk (case of study: Neighborhoods of the three region of Ardabil city). *Geography and Human Relations*, 6(3), pp. 303-284. [10.22034/gahr.2023.420357.1964](https://doi.org/10.22034/gahr.2023.420357.1964) [In Persian].
- Hatami, Y. and Zakerhaghighi, K. (2020). Influence the physical spaces in urban neighborhoods on the sense of social security (case study: the city of Hamadan). *Geographical planning of space quarterly journal*, 10(36), 197-218. doi: 10.30488/gps.2020.149076.2883. (In Persian)
- Heidari, A. (2021). Investigating the role of environmental factors in creating safe urban spaces to reduce crime and enhance security based on the CPTED approach. *Iranian Journal of Civil Engineering and Architecture Research*, 20(6). (In Persian)
- Hipp, J. R. (2010). A dynamic view of neighborhoods: The reciprocal relationship between crime and neighborhood structural characteristics. *Social problems*, 57(2), 205-230.
- Hipp, J. R., Kim, Y. A., & Kane, K. (2019). The effect of the physical environment on crime rates: Capturing housing age and housing type at varying spatial scales. *Crime & Delinquency*, 65(11), 1570-1595.
- Hou, F., Hedayati Marzbali, M., Maghsoodi Tilaki, M. J., & Abdullah, A. (2025). Rethinking Urban Greening: Implications of Crime Prevention Through Environmental Design for Enhancing Perceived Safety in Baitashan Park, Lanzhou. *Urban Science*, 9(1), 9. <https://doi.org/10.3390/urbansci9010009>
- Ioannidis, I., Ceccato, V., Abraham, J., & Giori, G. (2025). Crime Concentration at Buildings: Nordic Evidence on the Impact of Housing Ownership on Crime. *American Journal of Criminal Justice*, 1-23.
- Jabareen, Y., Eizenberg, E., & Zilberman, O. (2017). Conceptualizing urban ontological security: 'Being-in-the-city' and its social and spatial dimensions. *Cities*, 68, 1-7.
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. Random House.
- jafarloo, A. (2018). An Analysis of the Impact of Immigration on Social Damage (Case study: Alvand city in Qazvin province). *Geography and Human Relationships*, 1(1), 445-463. (In Persian)
- Jalalian, S., Habib, F., & Zaker Haghghi, K. (2022). Explaining the role of physical environment elements in residential complexes' security: A case study of residential complexes in Hamadan city. *City Identity*, 16(2). (In Persian)
- Javid, M.H., Hosseinpour, A. & Akbari Motlagh, M. (2013). *Creative City, Strategic Planning*, Volume 1, Tehran: Tahan Publications.

https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_3437_dcdafcf80386622cb1ba16a8833446bd.pdf.

[In Persian].

- Jeffery, C. R. (1971). *Crime Prevention Through Environmental Design*. Sage Publications
- Kameli, M. and Hosseini, B. (2017). Investigating the environmental factors affecting the occurrence of urban crimes (robbery) Case study: Districts 1 and 7 of Qom city. *Geography*, 15(53), 205-218. (In Persian)
- Kelling, G. L., Pate, T., Dieckman, D., & Brown, C. (1974). *The Kansas City preventive patrol experiment: a technical report*. Washington, DC: Police Foundation.
- Khaliji, M. A., & Jafarpour Ghalehtemouri, K. (2024). Urban security challenges in major cities, with a specific emphasis on privacy management in the metropolises. *Discover Environment*, 2(1), 74.
- khammar, G. A. and Mobasheri, M. (2021). Assessment of The Crime Prevention Components in Environmental Design and Its Impact On the Sense of Security in Residents of Suburban Areas: Bonjar City. *Preipheral Urban Spaces Development*, 3(2), 91-106. (In Persian)
- Kim, H., & Park, J. (2022). The influence of built environment and social cohesion on perceived neighborhood safety. *Cities*, 124, 103611.
- Kim, Y. A., & Hipp, J. R. (2020). Pathways: examining street network configurations, structural characteristics and spatial crime patterns in street segments. *Journal of Quantitative Criminology*, 36(4), 725-752.
- Kirk, D. S., & Laub, J. H. (2010). Neighborhood change and crime in the modern metropolis. *Crime and justice*, 39(1), 441-502.
- Kyaagba, A. J., Ayoosu, M. I., Aule, T. T., Utsaha, A. L., & Tuleun, M. E. (2024). Mapping Environmental Design Strategies for Preventing Crime and Terrorism for Crowded Urban Places in Nigeria. *Path of Science*, 10(12), 2001-2012.
- Landry, C. (2016). *Helsinki Creative City Index*. Retrieved from <http://www.CCI.com>.
- Landry, C. (2012). *The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators*. London, UK: Earthscan.
- Lee, J. S., Park, S., & Jung, S. (2016). Effect of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) Measures on Active Living and Fear of Crime. *Sustainability*, 8(9), 872. <https://doi.org/10.3390/su8090872>
- Lee, S., Kim, J., & Park, H. (2023). Street-level micro-features and crime patterns in low-income urban neighborhoods. *Environment and Behavior*, 55(4), 511-534.
- Li, J., Chen, Y., Zhao, D., & Zhai, J. (2024). The Impact of Built Environment on Mixed Land Use: Evidence from Xi'an. *Land*, 13(12), 2214. <https://doi.org/10.3390/land13122214>
- Liu, K., Zhang, L., Tsou, S., Wang, L., Hu, Y., & Yang, K. (2024). Exploring the Complex Association Between Urban Built Environment, Sociodemographic Characteristics and Crime: Evidence from Washington, D.C. *Land*, 13(11), 1886. <https://doi.org/10.3390/land13111886>
- Lub, V. (2018). Neighbourhood watch: Mechanisms and moral implications. *The British Journal of Criminology*, 58(4), 906-924.
- Macklin, S., van den Berg, A. & Pretorius, D. (2024). Reimagining pathways into culture and creative industries in the city of Seattle. *SAGE Open*. 5, 1-17. <https://doi.org/10.1177/21582440241253995>
- Madanipour, A. (2013). *Public space and the city*. Routledge.
- Malik, A. A. M., Sela, R. L. E., & Moniaga, I. L. (2024). Implementation of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) in Manado old city center area. *ARTEKS: Jurnal Teknik Arsitektur*, 9(2), 209-216.
- Mareque, M., de Prada Creo, E. & Álvarez-Díaz, M. (2021). Exploring creative tourism based on the cultural and creative cities (C3) index and using bootstrap confidence intervals. *Sustainability*. 13 (9), 5145. <https://doi.org/10.3390/su13095145>

- Maslow, A. H. (1943). A Theory of Human Motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370–396.
- Mburu, E., & Mutua, F. (2023). Investigating the influence of land use and alcohol outlet density on crime in Juja sub-county, Kenya. *Journal of Geovisualization and Spatial Analysis*, 7(1), 10.
- Mens, J. van Bueren, E., Vrijhoef, R. & Heurkens, E. (2021). A typology of social entrepreneurs in bottom-up urban development. *Cities*. 110, 103066. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103066>
- Meshkini, A., Kamangar, S., & Golchubi Diva, S. (2021). Investigating the effect of lighting on improving public spaces in the border city of Kamyaran: Case study: Imam Khomeini St. *Journal of Border Science and Technology*, 10(38), 51–76. (In Persian)
- Midtveit, E. (2005). Crime prevention and exclusion: From walls to opera music. *Journal of Scandinavian studies in criminology and crime prevention*, 6(1), 23-38.
- Mihinjac, M., & Saville, G. (2019). Third-Generation Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED). *Social Sciences*, 8(6), 182. <https://doi.org/10.3390/socsci8060182>
- Mirzaei, M., Arghan, A. & Zand, M. (2019). The role of indicators in the creative city to create interactive urban spaces (Case Study: Ray Town). *Geography (Quarterly Scientific and International Research Journal of the Iranian Geographical Society)*, 17(61), pp. 109-124 https://mag.iga.ir/article_247516_en.html [In Persian].
- Moein, M. (1996). *Farhang-e Farsi-e Moein* [Moein's Persian Dictionary]. Amirkabir. (In Persian)
- Mohammadi Hamidi, S., Nazmfar, H., & Yapeng Gharavi, M. (2020). Analysis of social security in urban areas using structural equation modeling: A case study of Ardabil city. *Human Geography Research*, 52(4), 1197–1216. (In Persian)
- Mohammadi Janki, F., & Qorchi Beigi, M. (2009). The role of environmental design in crime prevention. *Private Law Studies*, 39(2), 345–367. (In Persian)
- Mohammadi Kouchehbagh, A., Fathi, A., Nazmfar, H. & Masoumi, M.T. (2023). [Recreating Strategy for Creative City's Focusing on the Historical and Cultural Context of the city, with Use the TOPSIS Method \(Case Study: Tabriz City\)](#). *Scientific and Research Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, 14(55), 269-284. [10.30495/jupm.2021.27218.3769](https://doi.org/10.30495/jupm.2021.27218.3769) [In Persian].
- Mojtabaie, K., Navabakhsh, M., Koldi, A., & Zare-Mahdavi, G. (2020). The impact of migration on the variability of social cohesion. *Research Journal of Order and Security*, 13(2), 51–70. (In Persian)
- Mousavi, M. & Shams, M. (2023). Planning towards the realization of a creative city with a sustainable urban development approach, *Geography and Environmental Studies*, 13(50), pp. 23-6. <https://sanad.iau.ir/en/Article/979199> [In Persian].
- Naderi, B., Panahi, A., Teimori, I. & Valizade, R. (2022). Investigating the status of local factors affecting the realization of the mid-sized creative city (Case study: Bonab city). *Journal of Geography*, 20(74), PP 69-84. <http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1401.20.74.4.4> [In Persian].
- Nahidi Azar, A., Mirgholami, M, and Nejad Ebrahimi, A. (1402). Sustainable and creative urban regeneration with emphasis on sustainable economic activities. *Quarterly Journal of Sustainable Urban and Regional Development Studies*, 4(3), 76-101. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27830764.1402.4.3.6.5> [In Persian].
- Nazmfar, H., Aftab, A., Ghafari Gilandeh, A. & Mousavi, N. (2018). analyzing key factors influencing the planning of a creative city (case study: Urmia). *Quarterly Journal of Urban Planning Geography Research*, 6(1), pp. 1-22. [10.22059/jurbangeo.2018.242044.784](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2018.242044.784) [In Persian].

- Newman, O. (1972). *Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design*. Macmillan.
- Nguyen, L. P., van den Berg, P. E., Kemperman, A. D., & Mohammadi, M. (2025). Social impacts of living in high-rise apartment buildings: The effects of buildings and neighborhoods. *Journal of urban affairs*, 47(8), 2894-2915.
- Nguyen, L., van den Berg, P., Kemperman, A., & Mohammadi, M. (2020). Where do People Interact in High-Rise Apartment Buildings? Exploring the Influence of Personal and Neighborhood Characteristics. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(13), 4619. <https://doi.org/10.3390/ijerph17134619>
- Noemanpour, F., & Amjedian, S. (2024). Developing a conceptual model of social security with emphasis on promoting the criteria of the first and second generation CPTED theory. *Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 8 (33), 141–150. (In Persian)
- Nubani, L., Fierke-Gmazel, H., Madill, H., & De Biasi, A. (2023). Community engagement in crime reduction strategies: A tale of three cities. *Journal of Participatory Research Methods*, 4(1).
- OECD. (2021). *Urban Policy Reviews*. Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Oxford English Dictionary. (1998). Oxford University Press.
- Pazhuan, M., Azadi, H., Lopez-Carr, D., Barbir, J., Shahzadi, I., & Fürst, C. (2023). Social sustainability of residential squares: Evidence from Narmak neighborhood, Tehran. *Habitat International*, 136, 102811.
- Pepper, M., & Bullock, K. (2025). “The community supporting the community... that’s where its strength is”: exploring the contemporary position of Neighbourhood Watch in the United Kingdom. *Safer Communities*, 24(2), 116-129.
- Piroozfar, P., Farr, E. R., Aboagye-Nimo, E., & Osei-Berchie, J. (2019). Crime prevention in urban spaces through environmental design: A critical UK perspective. *Cities*, 95, 102411.
- Pourjafar M, Mahmodinegad H, Rafieian M, Ansari M. PROMOTION OF ENVIRONMENTAL SECURITY AND REDUCTION OF URBAN CRIMES WITH EMPHASIS ON CPTED APPROACH. *Journal title 2009*; 19 (6) :73-82
URL: <http://ijiepm.iust.ac.ir/article-1-264-fa.html>, (In Persian)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.
- Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*, 7(2), 155-212.
- Rasoulzadeh Aghdam, S., Bababei Morad, B., Ghasemzadeh, B., Irani, M., & Huovila, A. (2025). Social smart city research: interconnections between participatory governance, data privacy, artificial intelligence and ethical sustainable development. *Frontiers in Sustainable Cities*, 6, 1514040.
- Redaelli, E., (2011). Analyzing the “creative city“ governance: Relational process in Columbus Ohio. *City, Culture and Society*. 2, 85-91. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2011.05.001>
- Rezaee, M., Rafiyan, M. and Alikhani, S. (2024). The Evaluation of Social Capital and its Role in the Performance of Modern Neighborhood Management (case study: Fouladshahr city). *Social Capital Management*, 11(2), 199-217. doi: 10.22059/jscm.2023.357959.2410. (In Persian)
- Rezaei, H., Zamani Moghadam, A. and Memarzadeh Tehran, G. (2026). Modeling the socio-security development of Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(2), 167-187. (In Persian)

- Rupp, L. A., Bhatia, S., Lee, D. B., Wyatt, R., Bushman, G., Wyatt, T. A., ... & Reischl, T. M. (2025). Community-engaged crime prevention through environmental design and reductions in violent and firearm crime. *American journal of community psychology*.
- Sajadyan, N., Shojaeyan, A. and Keshtkar, L. (2015). Effect of type and amount of urban land use in the formation of spatial patterns of crime Case Study: police station within 15 Kampolo)). *Journal of Urban Ecology Researches*, 6(11), 79-98. (In Persian)
- Sakip, S. R. M., Rahim, P. R. M. A., & Nayan, N. M. (2023). Establishing Crime Prevention Through Environmental Design Model. *International Journal of Sustainable Construction Engineering and Technology*, 14(5), 314-327.
- Salavarzi zadeh, M. S. Z., Sheikhi, H. and Shekari, Z. (2018). Analyzing and evaluating the role of social capitals in sustainable development of neighborhoods (Case study: Ilam city). *Physical Social Planning*, 5(1), 123-136. doi: 10.30473/psp.2018.4835. (In Persian)
- Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (1999). Systematic social observation of public spaces: A new look at disorder in urban neighborhoods. *American journal of sociology*, 105(3), 603-651.
- Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Earls, F. (1997). Neighborhoods and violent crime: A multilevel study of collective efficacy. *science*, 277(5328), 918-924.
- Sasaki, M. (2010). Urban Regeneration through Cultural Creativity and Social Inclusion: Rethinking Creative City Theory through a Japanese Case Study. *Cities*, 27, 53–59. DOI:[10.1016/j.cities.2010.03.002](https://doi.org/10.1016/j.cities.2010.03.002)
- Saville, G., & Cleveland, G. (2008). Second-generation CPTED: The rise and fall of opportunity theory. In *21st century security and CPTED* (pp. 93-104). Auerbach Publications.
- Saville, G., & Mihinjac, M. (2022). Third-generation CPTED—Integrating crime prevention and neighbourhood liveability. In *Urban crime prevention: Multi-disciplinary approaches* (pp. 27-54). Cham: Springer International Publishing.
- Saxe, J. P. (2024). Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) for Public Transit Stations (No. SM04). Morgan State University. Sustainable Mobility and Accessibility Regional Transportation Equity Research Center (SMARTER) Region 3 University Transportation Center (UTC).
- Sayadi, F., Taghvaei, M., Hayraptian, V. (2022). The feasibility of a sustainable creative city in Tehran Metropolis. *Geography & Regional Planning Journal*, 3(12), PP 1031-1016. [20.1001.1.22286462.1400.11.4.1.5](https://doi.org/10.1001.1.22286462.1400.11.4.1.5) [In Persian].
- Sayyad Bidhandi, L., Gholipour, Y. and Feizi, S. (2017). Quality of Pavement Lightening and its Effect on Citizen's Sense of Security (Case Study: Shorabil Tourist Area). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 5(3), 425-444. doi: 10.22059/jurbangeo.2018.215139.554. (In Persian)
- Sedigh Sarvestani, R., & Nimrouzi, N. (2019). Investigating the relationship between participation in neighborhood interactions and perceived security. *Police Science Quarterly*, 12(2). (In Persian)
- Senna, I., Iglesias, F. & Matsunaga, L.H. Measuring the effects of Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) on fear of crime in public spaces. *Crime Prev Community Saf* 27, 1–17 (2025). <https://doi.org/10.1057/s41300-025-00223-0>
- Shaftoe, H. (2007). Crime in high-rise housing: Is it the built environment's fault. *Crime prevention in high-rise housing*, 19-40.
- Sohn, D. W. (2016). Residential crimes and neighbourhood built environment: Assessing the effectiveness of crime prevention through environmental design (CPTED). *Cities*, 52, 86-93.
- Sohrabi Ashlaghi, E., Ilanloo, M. (2022). Explaining the Levels of Creativity in the Urban System of Tehran Metropolis. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development*

- Studies (JSURDS), 3(1), 108-127 https://www.srds.ir/article_152291.html?lang=en [In Persian].
- Soltani, L., beykmohammadi, H. and Heydari, S. (2016). Spatial Analysis of the Sense of Security in the Different Quarters of the City of Qods. *Strategic Research on Social Problems*, 5(3), 87-104. doi: 10.22108/ssoss.2016.20963. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2021). *Population and Housing Census of Ardabil*. [In Persian].
- Stucky, T. D., & Ottensmann, J. R. (2009). Land use and violent crime. *Criminology*, 47(4), 1223-1264.
- Syauqi, A., Radja, A. M., & Wikantari, R. (2024). Crime Prevention Through Environmental Design: Visitors' Perceptions of Safety at the Vernacular Coastal Tourism Destination Palippis in Indonesia.
- Sypion, N. (2023). The influence of high-rise buildings on crime in urban environments.
- Takano, T., Morita, H., Nakamura, S., Togawa, T., Kachi, N., Kato, H., & Hayashi, Y. (2023). Evaluating the quality of life for sustainable urban development. *Cities*, 142, 104561. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104561>
- Taylor, R. B., & Harrell, A. V. (1996). *Physical Environment and Crime*. National Institute of Justice.
- Tselios, V., & Tomás, R. (2023). Social and environmental determinants of urban safety: Evidence from European cities. *Journal of Urban Affairs*, 45(2), 289–307.
- Udoh, E. S., & Luna-Reyes, L. F. (2025). Exploring the Impacts of Social and Technical Aspects of Governance on Smart City Projects. *Smart Cities*, 8(5), 149.
- UN-Habitat. (2020). *World Cities Report 2020: The Value of Sustainable Urbanization*. United Nations.
- Valente, R. (2018). *Ontological insecurity and subjective feelings of unsafety*. Doctoral dissertation, University of Edinburgh.
- Van Soomeren, P., Klundert, W. V. D., Aquilué, I., & de Kleuver, J. (2016). High-rise in trouble? Learning from Europe. *Journal of Place Management and Development*, 9(2), 224-240.
- Vatankhah, H., Zolfaghari, H., Kargar, B., & Kalantari, M. (2019). *Order & Security Research Journal*, 12(1), 151–180. (In Persian)
- Vivant, E. (2013). *Creative in the City: Urban Contradictions of the Creative City*. *City, Culture and Society*, 4, 57–63. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2013.02.003> [In Persian].
- Von Ferber, J., & Petrossian, G. A. (2025). Distinguishing Static and Dynamic Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) Features in Public Plazas. *Deviant Behavior*, 1-10.
- Weisburd, D. (2016). *Place matters*. Cambridge University Press.
- Weisburd, D., Groff, E. R., & Yang, S. M. (2012). *The criminology of place: Street segments and our understanding of the crime problem*. Oxford University Press.
- Welsh, B. C., & Piza, E. L. (2024). Crime prevention for social impact and social justice: The ideals, the challenges, the progress. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 714(1), 8-21.
- Wen, Y., Qi, H., Long, T., & Zhang, X. (2025). Designed for safety: Characteristics and trends in crime prevention through environmental design research. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 24(4), 3108-3126.
- WHO. (2020). *Global Status Report on Urban Health*. World Health Organization.
- Widya Putra, D., Salim, W. A., Indradjati, P. N., & Prilandita, N. (2023). Understanding the position of urban spatial configuration on the feeling of insecurity from crime in public spaces. *Frontiers in Built Environment*, 9, 1114968.

- Wood, M. A., & Thompson, C. (2021). Crime prevention, swarm intelligence and stigmergy: Understanding the mechanisms of social media-facilitated community crime prevention. *The British journal of criminology*, 61(2), 414-433.
- Yang, S., & Koizumi, H. (2025). Space, devices, activities: A Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) assessment in Kakogawa, Japan. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 82, 100765.
- Yesberg, J. A., Costi, F., Chan, A., & Bradford, B. (2024). A systematic review and meta-analysis of the relationship between policing and collective efficacy. *Journal of Experimental Criminology*, 20(4), 1147-1173.
- Yousefi, N. (2014). Measuring security in urban neighborhoods: A case study of Mardavij and Moftabad neighborhoods in Isfahan city. *Geography and Environmental Studies*, 3(11). (In Persian)
- Zahnow, R., Corcoran, J., Kimpton, A., & Wickes, R. (2022). Neighbourhood places, collective efficacy and crime: A longitudinal perspective. *Urban Studies*, 59(4), 789-809.
- Zayyari, K. (2011). A Study on Peace and Security in Neighborhoods of Yazd. *Human Geography Research*, 43(2), 1-11. (In Persian)
- Zeng, E., Dong, Y., Yan, L., & Lin, A. (2023). Perceived Safety in the Neighborhood: Exploring the Role of Built Environment, Social Factors, Physical Activity and Multiple Pathways of Influence. *Buildings*, 13(1), 2. <https://doi.org/10.3390/buildings13010002>.